

نظری کوتاه بر سالی که گذشت

نامه‌هایی - نوشته شد که هر یک بار دگری را بر پشت خم شده از زندگی فلاکت‌بار زحمتکشان می‌نهادند. اما راهی که جمهوری اسلامی در سال ۶۲ پیمود، راه همواری نبود، به مراتب ناموارتر از سال‌های پیش بود. انتخابات مجلس در فروردین و اردیبهشت، زنگ خطر را برای رژیم، به صورتی پرطنین به صدا درآورد. انتخابات به هر ترتیب پایان یافت اما به قیمت انفراد بیشتر. این مضحکه طبق معمول سنواتی، همراه با کشاکش‌های درونی برگزار شد، ولی آنچه که جلوه بسیار پررنگی داشت، بهای گزافی بود که سران حکومت، برای سلب حق بقیه در صفحه ۲

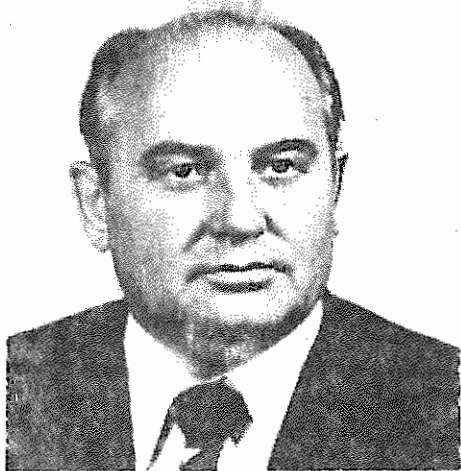
خمینی در پیام خود به مناسبت آغاز سال ۶۲ گفته بود: "ما هر روزی را که می‌گذاریم، از روز سابق برای ما بهتر است و من امیدوارم که این سال، بهتر از همه سال‌ها باشد." بیگمان در این ضمیر "ما" بی که خمینی به کار برده، مردم نمی‌گنجیدند. در سالی که گذشت، دیگر برده‌ای نبود که رژیم چهره خود را در پس آن پنهان کند. همه برده‌ها پیشتر افکنده شده بودند. سرکوب کارگران و زحمتکشان و خدمت به سرمایه و ستم و استثمار و غارت، پدیده تازه‌ای نبود. در این سال تنها با وقاحت بیشتری بر کرده‌های ننگ آلود گذشته، جامه "قانون" پوشانده شد. بیبایی قوانینی از تصویب مجلس گذشت و آئین



نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۶۲ برابر ۱۸ مارس ۱۹۸۵
بها ۴۰ ریال سال اول - شماره ۴۹

انتخاب میخائیل گرباچف به سمت دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی



اجلاس فوق‌العاده کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی دوشنبه پانزدهم مارس (۱۰ اسفند) توسط میخائیل گرباچف عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی گشایش یافت. حضار با اعلام یک دقیقه سکوت، نسبت به خاطره کنستانتین چرننکو دبیر کل فقید حزب ادای احترام کردند. در این اجلاس گفته شد حزب کمونیست و مردم شوروی، یک شخصیت برجسته حزبی و دولتی و یک میهن‌پرست و انترناسیونالیست را از دست داده‌اند. آندره ای گرومیکو از سوی دفتر سیاسی پیشنهاد نمود میخائیل گرباچف به عنوان دبیر کل جدید بقیه در صفحه ۱۴



- * پیروزی اعتصاب پولادگران اهواز
- * تقاضاهای خطرناک
- * شرط سفر به کشورهای سوسیالیستی
- * گزارش از مشکلات صنعتی دانشجویان در تبریز

در صفحه ۷

بیاتاق گل بر افشانیم و...

کدورت‌ها و کهنکی‌ها را به کناری می‌نهند و دل‌های خویش را در حضور آب و آینه و سبزه به نسیم آشنائی و شادمانی می‌سیارند. نوروز، راه درازی را با ما پیموده است تا همواره طراوتش را در میان ما پخش کند، تا شادی رنگباهش را به کودکان، گرمای دل‌پذیرش را به فراز آمدگان از زمستان و دیربایی و ماندگاری اش را به مبارزان ببخشد. تا سر در گوش غمگنان نهد و ایشان را آواز امید و بیداری بیاموزد. تا در هر خانه‌ای کام بگذارد و بهار و برکت را، بیداری زمین و زمینیان را آواز کند. نوروز نشان روانهای شاد و نیرومند قوم ما، نشان الفت مردم ما با زندگی و طبیعت و نشان تشنگی آنان به زیبایی‌های زمینی است.

بقیه در صفحه ۲

بهار دیگر فصل روشن و رخسند بهار به تماشا و تزیین دیارمان آمد. بار دیگر، نوروز روز میعاد و دیدار، روز روشنائی و روزی که در آن دل‌ها مان را به هم گره می‌زنیم بر آستانه فصل سبز به جلوه‌گری آمد. بیدار بیدار می‌شتابیم، به دیدار یاران و شیفنگان شادی، به دیدار آشنایان تا در اعماق سیمایشان روانه دل‌پذیر حیات و دل‌زدگی را تماشا کنیم.

ایرانیان در طول هزاران سال، در این روز همیشه تازه، غبار خستگی سال را از جان و تن خویش می‌تکانند، خود را به جامه‌های نومی آرایند و هم‌زمان با جوانه‌ها و شکوفه‌ها به دید و بازدید بکنیکر می‌شتابند تا سخن از تازگی‌ها بگویند و زشتی‌ها را به ترازی نقد بگذارند. مردم ایران زمین، طی سده‌های بیبایی و درین روز خجسته، دوری‌ها،

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

در صفحه ۸

بمباران مراکز مسکونی و کشتار مردم بی‌گناه همچنان ادامه دارد

در هفته گذشته هر دو رژیم ایران و عراق، همچنان به حمله به مراکز مسکونی و کشتار مردم بی‌گناه کشور مقابل ادامه دادند. به درخواست دبیر کل سازمان ملل مبنی بر احترام به قرارداد ۱۲ ژوئن و قطع بمباران و کلونله‌باران مناطق مسکونی در ساعت ۲۴ روز دوشنبه ۲۰ اسفند، وقتی نهادند. در هفته گذشته بصره مدام زیر آتشبار توپخانه ایران بود و کرکوک یک بار و بغداد دوبار مورد حمله موشکی قرار گرفتند. به چند شهر دیگر عراق نیز حمله هوایی شد. شهرهای تهران، تبریز، کرمانشاه، بروجرد، قزوین، سنندج، بوشهر، قم، اراک، مسجد سلیمان، ایلام، رشت، اصفهان، ارومیه، بیران شهر و زنجان از جمله شهرهایی بودند که مورد هجوم هواپیماهای عراقی قرار گرفتند. بقیه در صفحه ۶

مصاحبه "اکثریت" با یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

در صفحه ۱۰

جشنهای چهاردهمین سالگست ۱۹ بهمن تجلی پرشکوه همبستگی بین‌المللی با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در شماره‌های پیشین نشریه، گزارشهایی از نحوه برگزاری جشن‌های چهاردهمین سالگست اعلام موجودیت سازمان، در کشورهای مختلف جهان راجع کردیم. اینک به انعکاس مراسم این جشن‌ها در چند کشور دیگر می‌پردازیم.

هندوستان

سه شهر هندوستان، شهرهای دهلی، نو، بنگلور و پونا در روزهای ۱۷، ۲۰ و ۲۱ بهمن ماه شاهد برگزاری پرشکوه جشنهای چهاردهمین سالگست بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بود. خصیصه مشترک این جشنها شرکت گسترده و همبستگی پر شور احزاب، سازمانها و نیروهای مترقی هندی و نیز خارجی مقیم در هندوستان بود. این همبستگی غرور آفرین که نتیجه کار مستمر و شمر بخش فعالین فدایی در شناساندن رنج و رزم مردم ایران به جهانیان است به سهم خود می‌تواند بر شمر بخشی این رزم مقدس بیافزاید.

بقیه در صفحه ۴

صلح، استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی

بیاتاکل بر افشانیم و...

بقیه از صفحه اول

ای بسا کوردلان تاریک اندیش که آمیزش رنگها و دلها، شادی دریچه‌ها و شکوفه‌ها و مهربانی و همدلی مردم را در چنین روزی تاب نمی‌آرند. اینان که شادابی و شادکامی مردم را خنجر می‌خلبند بر استخوانهای پوسیده خرافات خود می‌بینند و در گل شکفته لبخند مردم مامرگ اندیشه‌های قرون وسطایی خویش را در می‌یابند برای زدودن این روز خجسته، هزارو یک ترفند بکار گرفته و می‌گیرند تا بلکه بتوانند بر بستری از اندوه و غزا به حکمروائی ناروای خود، روزی چند بیفزایند. اینان که کوششهایشان تنها با هیاهوی طبل جنگ و هاپهوی غزا آشناست و خرمی و آرامش را بر مردم نمی‌پسندند می‌کوشند تا عید مردم ایران را به جای سفره هفت سین بر زمین سیاه بنشانند و مردم را به گوشه عزلت و سکوت و اندوه برانند.

رژیم جمهوری اسلامی ازین دیدگاه است که با بهانه قرار دادن جنگ، هر ساله در آستانه ولادت نوروز، دیوانه‌سر، اقدام به یورشهایی در صحنه جنگ می‌کند تا برای هر شهر و دیاری، برای هر خانواده‌ئی بجای شاخه گل، نقش کشته‌ئی را ارمغان کند. اینهمه بی‌پنهای کودکان، آوارگی همسران شوی از دست شده و مادران بلا دیده برای رژیم

کافی نیست. او به بیکجا مرگ ملت ما را می‌خواهد و ازین روی می‌کوشد تا بلکه این روز گرامی، این پل ملاقات مردم ایران را بکلی ویران کرده و از خاطره‌ها محو سازد. اما بهار از پیراندوهی قوی‌تر است و نوروز از یتگونه اوباشان و بیکه‌تازان و مرگ‌آموزان بسیار دیده است. هیچکدام آنان نماندند، تنها مردم ماندند با نوروزشان. نوروزی که تجلی روحیه شاداب و روح آشتی‌خواه مردم ایران است. نوروز با خود رایحه صلح و دوستی و عشق را به همراه دارد و کدام نیروئی است که توانا باشد این مفاهیم ابدی را نابود کند؟

امسال نیز جنگ و جنگ افروزان دست در دست هم بر آن شدند تا کوچه‌ها و گذرگاهها را از حمله جوانمرگان بپاککنند و ازین رنگدرو با استفاده از احساسات احترام آمیزی که ایرانیان برای مرگ دلپندان خود قائلند نوروز را به روز خاک و خون بدل کنند. اما ایرانیان در عین گرامیداشت خاطره قربانیان جنگ تبهکارانه مرتجعین، به سنت هر ساله و دیرین ساله، به دیدار هم می‌شایند تا درین وعده‌گاه همگانی، خشم و کین ریشه‌دار خود علیه رژیم جمهوری اسلامی را با یکدیگر در میان نهند و درین مشورت بزرگ سراسری، بار دیگر مهر ابطال خویش را بر پیشانی سیاه دشمنان خویش بکوبند.

نوروز را گرامی داریم که روز دیدارها، گفتارها و آشنائی‌هاست. نوروز را گرامی داریم که



روز "شور و مشورت" مردم ما علیه تاریک اندیشان است، که روز اندیشیدن به زیبایی‌ها، به صلح و به آشنائی‌هاست. نوروز امسال، برای خلقهای ایران، آغاز حرکت‌ها، خروشها و خیزشهای تازه‌ئی است که سقوط تاریکی‌ها و ستم‌ها را در پیش روی خود دارد. چنین روزی بر شما گرامی باد!

سالی دگر گذشت

سالی دگر گذشت
امسال نیز، در نیمه ای از خاک
خورشید به کرد زمین می‌چرخید
و در نیمه ای دیگر
زمین به گرد خورشید

امسال نیز
آنان که هستی‌شان را
باتباهی سرشته‌اند
در زمین
تخم مرگ می‌پراکنند
و در هر اس، از آینه‌ای ناگزیر
پنجه
در پنجه زمان می‌افکنند

... اما زمان گذشت
سالی نود رسید
سوموز!

به ماناگو ابا زنگشت
بیروت
اشغالگران را راند
و کابل
همچنان آزاد ماند

امسال
آفرینا گرسنه بود
در کاخ سفید
دیوانه ای به حکومت نشست
که می‌خواهد

پنج دقیقه دیگر

و لبخند می‌زنم
و از اینرو نمی‌گویم باشما که پار
میهمن من غمگین بود، غمگین و داغدار

نمی‌گویم باشما که سال پیش
چه شیردلانی بر خاک افتادند
شما خود می‌بینید
ارواح تابناکشان را

که شعله می‌کشد در تاریکی.

از بارانهای تند بهاری.

و چتر رحمت خود را
بر فراز اروپا بنشانند
تا مضمون ماند
برای همیشه

امسال روسها
سایتسکایا را
به مدار زمین فرستادند

تا از آنجا
همجنس خود تاجر را نظاره کند
در آن حال که شبها
کابوس معدنچیان را می‌بیند.

☆

سالی دگر گذشت

امسال نیز، خاک بخشنده بود و بار آور
هم خوشه‌های گندم رویدند و هم خوشه‌های بجمب
در سرزمین توپاران بارید
بر خاک من گلوله و خاکستر.

☆

و حال ما ایستاده ایم
در آستانه سالی دیگر
که آیندگان آثرا، به خاطر می‌سپرنند
و کودکان دبستانی، باید آنرا از بر کنند
به خاطر نبردهای شگرفی که در این سال
بر لوح تاریخ

حک می‌شود

من به نبردهای اندیشم

شما خود می‌بینید، و می‌دانید
امسال در شما آفتاب نتابید
مگر آن دم

که با فریادی رسا، اورا صدا زدیم
فرود آمد بر ما
و در حنجره‌ها همان نشست
و در پنجه‌هایمان

آندم که مشت می‌شدند. و بر طبل هوای کوبیدند.

☆

و حالیا در آستانه فروردین
ببایید پیش از آنکه ورق آخر تقویمان را پاره کنیم
شماره کنیم
شمیرهایی را که در نهان، صیقل داده ایم!

پیروزی از آن ماست
چرا که دشمن، در پایان سالی دیگر است
و ما در آستانه سالی دیگر
سالی که خود در آستانه قرنی دیگر است
قرنی برتر، که در آن برای همیشه
سرمایه و ستم رنگ می‌بازد
و سرود جاودانه آزادی

هر روزمان را، نوروزی می‌سازد

محمد رضا آهنگر - ۲۳ اسفند ۶۳

نظری کوتاه بر سالی که گذشت

جمهوری اسلامی ۵ فوریه ۱۳۶۳ پیام امامت بمناسبت حلول سال نو

امیدوارم این سال بهتر از همه سالها باشد

در دیدار با گروه کثیری از برادران عراقی تربیت معلم و جمعی از دانش‌آموزان انجمن‌های اسلامی مدارس تربیت معلم

رئیس‌جمهور سال ۶۳ را سال پیروزی در جنگ، تلاش برای خودکفایی در امر کشاورزی و جهاد اداری اعلام کرد

در سال ۶۲، همچنان که رئیس‌جمهور خامنه‌ای، در اوایل اسفندماه تأکید کرد، "سیاست درهای باز" به عنوان "سیاست قطعی جمهوری اسلامی" به مرحله اجرا گذاشته شد. از این درهای باز، در شهریورماه، کنش وزیر خارجه آلمان فدرال، به مقابله نماینده غرب با سلام و صلوات عبور کرد تا در تهران، با رهبران رژیم مصاحفه‌ای صمیمانه به عمل آورد.

در این سال "آر. سی. دی" رسماً احیا گردید و رژیم روابط خود را با دولت‌های ارتجاعی پاکستان و ترکیه، بیش از پیش تحکیم کرد و همچنان به کینه‌توزی خود نسبت به افغانستان انقلابی، ادامه داد.

در سالی که گذشت اتفاقاتی مثل‌های لوکس تهران، از یکی دو ساه قبل رزومی شدند تا پذیرای نمایندگان شرکت‌های بزرگ امپریالیستی باشند که برای عقد قراردادهای متعدده، با اشتیاق تمام راهی ایران می‌شدند. در همین سال بود که رفسنجانی اعلام کرد سلاح‌های آمریکایی برای ایران، از نان شب واجب تر است.

در سال ۶۳ سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد، در ابعادی وسیع پی گرفته شد و تمرکز نیروهای ارتشی و سپاهی در کردستان به حد کم سابقه‌ای رسید. رژیم در این سال، تاکتیک "زمین سوخته" را با شدت و حشیانه‌تری بکار بست و به کوچ دادن اجباری روستاها متوسل گشت. جنبش خلق کرد در مجموع توانست ضربات رژیم را پاسخ داده و خود را با وضعیت جدید، انطباق دهد.

در سطح کشور، سرکوب و اختناق، سیستماتیک - تر گشت. در مرداد ماه ساواک جمهوری اسلامی، با انتصاب ری شهری به عنوان وزیر اطلاعات، رسماً آغاز به کار کرد و دیرینه‌نهایید که این دستگاه سرکوب و خبر چینی در رأس دیگر امکان‌های امنیتی و انتظامی قرار گرفت. در این سال دستگیری و شکنجه و کشتار همچنان در سطحی وسیع، رواج داشت. سانسور مطبوعات به شکل کاملاً محسوسی افزایش یافت و در این رابطه قانونی از تصویب گذشت که حتی عرصه را بر نشریات حکومتی، تنگ می‌کند.

زنان مهین ما همچنان مورد یورش‌هایی قرار گرفتند که قداره کشان جمهوری اسلامی برای تحمیل حجاب به این اوباشگری هاشکل و هیبت و حشیانه‌تری داده بودند. در این سال زنان در ابعاد وسیع‌تری از عرصه جامعه، به کنج خانه‌ها رانده شدند. قانون نیمه وقت کردن کار بانوان با همین هدف از تصویب مجلس گذشت.

سال ۶۲، همچنان سال اختناق بود، اما سالی نیز بود که مردم در سطوحی گسترده، نشان دادند به اختناق و سرکوب، گردن نمی‌نهند. اعتراضات مردم که بسیار صریح‌تر و آشکارتر بیان می‌گشت، حاکی از آن بود که وحشیانه‌ترین نوع سرکوب نیز مردم را به اطاعت و یا دست کم سکوت و انمی دارد. دو حرکت توده‌ای پهبایی در ورزنگاه امجدیه، به تانسبیل خیزش مردم و به ویژه جوانان را به نمایش نهاد.

سالی که گذشت سال رشوه‌خواری و فساد و اعتیاد نیز بود. در این سال جمهوری اسلامی این افتخار را به دست آورد که ایران را در راس جدول اعتیاد به هروئین در سطح جهان، قرار دهد

روستاها، ادامه دادند. رژیم در این سال کوشید در لایحه "حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی"، به شکل زبانه‌ای نظام ارباب و رعیتی را احیا کند. در این سال، بخش زیادی از زمین‌های مصادره شده از دهقانان پس گرفته شد و یا این که طبق بخشنامه شورای عالی قضایی، دهقانیانی که زمین‌های مذکور را در اختیار داشتند، ملزم به پرداخت بهره مالکانه گشتند.

لایحه بودجه سال ۶۴ که در اسفندماه جاری از تصویب مجلس گذشت، سند ورشکستگی اقتصادی کشور بود. در چنین وضعیتی، که همه فشار بحران، بر دوش زحمتکشان است، بورژوازی بزرگ نشان داد به یمن خدمات و مراحمی برای ایران جمهوری اسلامی از یمنان انکل صفت، مفتخوار و غارتگر است که حتی می‌ورزد. پشت کردن کلان سرمایه‌داران به آنچه که در کشورهای سرمایه‌داری دیگر، خود این طبقه به عنوان قوانین مدنی و اقتصادی می‌پذیرد، نشان دهنده بی‌آینده بودن نظام این زالوصفتان خون آشام است.

سالی که گذشت از سوی خامنه‌ای، سال خودکفایی کشاورزی اعلام شده بود، اما حتی خود نمایندگان رژیم نیز در بحث‌های لایحه بودجه، اعتراف کردند که اسما ل دیگر کشاورزی کشور در شرف احتضار قرار گرفته است.

کرانی و تورم و بیکاری، همچنان در سال ۶۳ به رشد افسارگسیخته خود ادامه دادند و فلاکت بیشتری را نصیب زحمتکشان جامعه ما ساختند. اکنون کارگران، دهقانان، معلمان، کارمندان و دیگر اقشار زحمتکش جامعه، به سختی قادر به گذران زندگی خود هستند. دولت در سال ۶۲، بارها و بارها با افزایش حقوق کارگران و کارمندان، مخالفت کرد و برای این که بتواند ماشین جنگی خود را روشن نگه دارد، بر میزان مالیات‌ها و نرخ خدمات عمومی افزود. در این سال بحران مسکن همچنان رشد بیشتری یافت، اما دولت در برخورد با این مساله بنا بر ماهیت خود تنها این چاره را یافت که دست بخش خصوصی را در زمینه مسکن کاملاً باز بگذارد و به عبارت دیگر بر ابعاد این بحران بیفزاید.

در سال ۶۲، تا آنجا که ارز حاصله از غارت ذخایر نفتی اجازه می‌داد، گمرکات کشور را مملو از کالاهای وارداتی کردند. و در عوض صادرات به پایین‌ترین سطح خود در سالهای اخیر، افت پیدا کرد.

انتخابات آزاد مردم، پرداختند. انتخابات، حاکمیت را بی‌آبروتر و زمینه رشد جنبش اعتراضی توده‌ای را مساعدتر ساخت. مردم در جریان انتخابات فرمایشی مجلس دوم، به شکل‌های مختلف به حاکمیت "نه!" گفتند.

مجلسی که به دنبال این انتخابات تشکیل گردید، می‌بایست کاملاً روی "خط" باشد. از همین رو خمینی در پیام افتتاحیه مجلس دوم به آنها گوش‌زدهای لازم را کرد. او بار دیگر تأکید کرد که "حکم، حکم شورای نگهبان است." به آنان تأکید کرد که "کسی گمان نکند که به نفع محرومین و خدمت به آنان، اگر غیر مشروعی هم باشد، مانعی ندارد."

خمینی در اوایل شهریورماه بعد از این که مجلس بایک سلسله کشاکش‌های جدی، به دولت رای اعتماد داد، خواست این گوش‌زده‌را به دولت نیز کرده باشد. او این بار با صراحت کم نظیری گفت: همه چیز در خدمت کلان سرمایه‌داران و تجار بزرگ! او گفت: "بازار را شریک کنید در کارها... این یک مساله ایست که بسیار مهم است در نظر من."

در پیام ۲۲ بهمن نیز این تأکید تکرار شد و چند روز پیش در دیدار با عسکروادای مسلمان مسئول کمیته امداد.

مجلس ودولت، در سالی که گذشت نشان دادند که کاملاً خطر را گرفته‌اند، دیگر کسی ناپرهیزی نکرد که مثلاً از دولتی کردن تجارت خارجی و با قوانینی نظیر آن سخن بگوید.

در سالی که گذشت، جمهوری اسلامی فقر و فلاکت بیشتری را نصیب زحمتکشان جامعه ما ساخت. همیای الطاف و مراحم بیشتر به بورژوازی صنعتی، بر شدت استثمار از کارگران افزوده شد و اعتراضات و اعتصابات کارگری، با اخراج و زندان و کشتار پاسخ داده شد. اما سال ۶۲، سال گسترش حرکات

کارگری هم در سطح و هم در عمق نیز بود. تنها در شش ماه اول سال، ۱۰۰ اعتصاب و به مراتب بیش از آن، اعتراضات کارگری روی داد. جنبش کارگری مهین ما، دو اعتصاب برجسته این سال، یعنی اعتصاب کارگران تانکاد اداری را که در اوایل تیرماه و اعتصاب عظیم کارگران ذوب آهن اصفهان را که در اوایل آذرماه صورت گرفت، همواره به خاطر خواهد داشت.

انعکاس وسیع اخبار این اعتصابات در میان کارگران و همه اقشار مردم، نشان داد که زمینه ناچه حد برای بروز حرکات کارگری و توده‌ای گسترده و مهیاشده است.

در سال ۶۲، دهقانان مهین ما همچنان به مقاومت خود در برابر بازگشت زمین‌داران بزرگ به

بقیه از صفحه اول

جشنهای چهاردهمین سالگشت ۱۹ بهمن تجلی پرشکوه همبستگی بین المللی با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت)

به شرح هریک از این جشنهای پر ازیم:

دهلی نو

سالروز اعلام موجودیت سازمان، در دهلی نو توسط فدائیان وتوده ایها و گروهی دیگر از ایرانیان جشن گرفته شد. در این جشن میهمانان و نمایندگان احزاب و جمعیتهای گوناگون شرکت داشتند.

م. فاروقی دبیر شورای ملی حزب کمونیست و عضو هیئت اجرایی مرکزی حزب کمونیست هند، پراکاش کارت دبیر کمیته ایالتی دهلی و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست)، بریج موهان دبیر کل حزب کنگره در ایندیرا و رئیس کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران-شهر دهلی،

م. مولا نماینده شورای ملی آفریقا در هندوستان و نمایندگان از: سازمان دمکراتیک جوانان افغانستان-هند، فدراسیون سراسری دانشجویان هند، فدراسیون دانشجویان هند، دانشجویان آفریقای جنوبی، دانشجویان تاجیکی و دانشجویان لهستانی در هند، جبهه خلق برای آزادی فلسطین-هند و نیز شخصیتهای فرهنگی محلی شرکت داشتند.

در ابتدای جشن گزارش کوتاهی از فعالیت انقلابی و تاریخچه سازمان ارائه شد سپس رفیق م. فاروقی، دبیر شورای ملی حزب کمونیست هند و عضو هیئت اجرایی مرکزی به نمایندگی از طرف حزب سخنانی ایراد کرد. رفیق م. فاروقی در بخشی از سخنان خویش ضمن تبریک سالروز تولد سازمان فدائیان ایران داشت: "کشور شما، سازمان شما و مردم شما اینک روزهای سختی را می گذرانند، لیکن امروز از دیدن شما این اطمینان به من دست داد که آینده ایران بسیار روشن است"

سپس رفیق پراکاش کارت دبیر کمیته ایالتی دهلی و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست) سخنرانی کرد، وی در آغاز سخن خود گفت: "من به نمایندگی از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست)، تولد سازمان شما در طول ۱۴ سال حیات خود با رژیم فاشیستی و دیکتاتوری شاه مبارزه پیگیر کرد و اکنون نیز بر ضد حکومت خمینی و ارتجاعیون می رزمم، ماهیسه دوش به دوش سازمان شما در مبارزه شما شرکت داشته ایم. ما همیشه تحت تاثیر فعالیتهای انقلابی سازمان شما در هند بوده ایم." رفیق پراکاش کارت سخنان خود را چنین خاتمه داد "من نیز مانند رفیق فاروقی خواستار آنم که این جنگ بیهوده بین ایران و عراق هر چه زودتر پایان بیابد چرا که این جنگ هیچ ثمری جز تقویت مواضع امپریالیسم ندارد."

سخنران دیگر جشن سالگرد تولد سازمان در دهلی نو، آقای بریج موهان دبیر کل حزب کنگره (ایندیرا) و رئیس کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران-شهر دهلی بود. وی در بخشی از سخنانش ایراد داشت:

"من به دلیل تماسهای مکرر با شما رفقای ایرانی با شرایط زندانها و زندانیان سیاسی ایران آشنا هستم. و می دانم که رژیم جمهوری اسلامی چه جنایاتی در ایران مرتکب می شود. قلب من واقعا

برای این افراد از جان گذشته که برای آزادی و استقلال میهنشان جان خود را فدا می کنند می طبد... من پشتیبانی خود را از سازمان شما در راه انقلاب بینان اعلام می دارم و به شما اطمینان می دهم که آینده از آن شماست."

در طول جشن سالگشت ۱۹ بهمن در دهلی نو برنامه های متنوع هنری نیز اجرا گردید. نمایشنامه های مبارزه انتخاباتی ریگان و ماندیل، لایحه قصاص و مصاحبه با کیلانی و نیز انتخابات وصف طویل قصایی به زبان انگلیسی اجرا گردید. رقصهای بجنوردی، لژگی و افغانی اجرا شد و آهنگهای شاد ایرانی و تاجیکی خوانده شد. چندین سرود ایرانی و هندی نیز توسط گروه های کر اجرا گردید و یک نمایشنامه دیگر در مورد جنگ نیز به صحنه آورده شد.

بنگلور

در جشن چهاردهمین سالگرد تولد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) در شهر بنگلور جمع کثیری از ایرانیان و نیز میهمانان هندی، فلسطینی و بحرینی شرکت داشتند. جشن در فضایی آکنده از همبستگی بین المللی و شور انقلابی برگزار شد. ابتدا یک رفیق فدایی به شرکت کنندگان خوش آمد گفت و ضمن تشریح اوضاع سیاسی-اقتصادی ایران، تکنجه و کشتارده ها را از زندانی سیاسی در جمهوری اسلامی را محکوم نمود. برای احترام به شهدای به خون خفته خلق یک دقیقه سکوت اعلام شد.

سپس دکتر جی، راماکریشنا شخصیت برجسته حزب کمونیست هند و دبیر اول انجمن دوستی هند و شوروی سخنرانی کرد و طی سخنان میسوطی وضعیت ایران و زندانیان سیاسی و پروسه نکاملی افتخار آمیز سازمان را برای شرکت کنندگان تشریح کرد و ضمن تبریک مجدد، آرزوی اتحاد و پیروزی برای مردم ایران نمود.

سخنران بعدی جشن س. سوربانا رایونا راوو رئیس مرکز اتحادیه های کارگری هندوستان و عضو پارلمان محلی بود که از طرف حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست) و مرکز اتحادیه های کارگری هندوستان سخن گفت و ضمن تبریک و تهنیت چهاردهمین سالگرد تاسیس سازمان، جنایات رژیم را محکوم نمود و برای وحدت جنبش کمونیستی ایران آرزوی پیروزی کرد.

ان. سی. نا راسیمان دبیر ایالتی کنگره اتحادیه های کارگری سراسر هندوستان و نماینده حزب کمونیست هندوستان به نمایندگی هواداران حزب توده ایران در جنوب هند و نمایندگان جبهه خلق برای آزادی فلسطین جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، سازمان جوانان بحرین، فدراسیون ملی زنان هندوستان، تشکیلات دمکراتیک زنان ایران هند، فدراسیون سراسری جوانان هندوستان، فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان پیامهای گرم و همبستگی رزمنده خود را با مردم ایران و

فدائیان خلق ایران را از دست بردارند.

پس از پایان سخنرانیها و پذیرایی از میهمانان برنامه های هنری بمدت دو ساعت به اجرا گذاشته شد هنرمندان فدراسیون سراسری جوانان هندوستان و فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان نیز یک نمایشنامه و چند سرود انقلابی اجرا نمودند. رفقای فدایی و توده ای طی برنامه های متعدد هنری، نقش امپریالیسم را در رابطه با صلح جهانی و نیز سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی را افشا نمودند.

پونا

روز ۱۹ فوریه جشن باشکوهی در دو قسمت، صبح و عصر در شهر پونا-هند برگزار گردید این جشن نیز عرصه ابراز همبستگی پر شور با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) و حزب توده ایران که پیگیرانه برای صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پییکار می کنند، گردید این گردهمایی با اعلام یک دقیقه سکوت برای گرامیداشت خاطره شهدای فدایی آغاز گردید پس از آن سرود انترناسیونال در محل جشن طنین افکن شد و پس از آن تاریخچه سازمان به زبانهای عربی و انگلیسی قرائت گردید.



میهمان ویژه جشن رفیق کاملا بابی یکی از فعالین حزب کمونیست هند و یکی از مبارزین سرشناس راه استقلال و آزادی هند بود. وی در سخنانش ضمن اشاره به ۱۴ سال مبارزه قهرمانانه سازمان و با تاکید بر وحدت سیاسی و سازمانی حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق به نقش ارزنده جنبش کمونیستی ایران در راه تحقق صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی اشاره نمود. دیگر پیامهای خوانده شده عبارت بودند از پیامهای:

حزب کمونیست هند (مارکسیست)- پونا، جبهه خلق برای آزادی فلسطین هند، هواداران حزب توده ایران-پونا،

جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین-هند، جبهه دمکراتیک دانشجویان سودان-هند، جوانان دمکراتیک بحرین-پونا، اتحادیه ملی دانشجویان بحرین-پونا، اتحادیه جوانان دمکراتیک بحرین-پونا، کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران-پونا، تشکیلات دمکراتیک زنان ایران-هند، پونا-انجمن دانشجویان سودان.

در آخر برنامه پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران، به عربی و انگلیسی قرائت گردید

چهاردهمین سالگرد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تیریکات گرم و رفیقانه خود را ابراز می‌دارد. به همین مناسبت می‌خواستیم بار دیگر پشتیبانی خود را در مبارزه سخت و مشکل‌شماکه با حربه آزمایش شده و اتحاد نیروهای انقلابی، ضد امپریالیست و دمکراتیک، پیش می‌برید اعلام داریم. در برنامه جشن سالگرد بنیانگذاری سازمان در یونان برنامه‌های متنوع هنری نیز گنجانده شده بود که برنامه گروه رقص قبرسی و گروه موسیقی یونانی مورد استقبال قرار گرفت. نماینده احزاب و سازمانهای زیر در جشن سالگرد ۱۹ بهمن شرکت داشتند و شادباشهای خود را بهمین مناسبت ابراز نمودند.

- نماینده حزب کمونیست یونان
- حزب کمونیست فلسطین-یونان
- حزب کمونیست عراق-یونان
- حزب کمونیست سوریه-یونان
- حزب کمونیست اسرائیل-یونان
- سازمان جوانان حزب کمونیست یونان
- نیروهای پیشرو لبنان
- سازمان کارگری حزب کمونیست یونان
- اتحادیه دمکراتان از ترکیه و کردستان ترکیه
- جبهه دمکراتیک برای صلح و برابری در اسرائیل-یونان

- جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین-یونان
- کنکره مردمی و دانشگاهی لیبی-یونان
- جنبش دانشجویان کرد در اروپا-یونان
- اتحادیه دانشجویان عراقی-یونان
- جبهه دمکراتیک دانشجویان سودان-یونان
- جبهه خلق برای آزادی فلسطین-یونان
- جنبش پیشرو دانشجویان قبرس-آتن

فیلیپین

وجود شرایط پلیسی و سرکوب در فیلیپین طبعاً دامنگیر نیروهای مترقی خارجی مقیم در فیلیپین و به ویژه کمونیستها نیز می‌شود، نتوانست سد راه برگزاری جشن چهاردهمین سالگرد اعلام موجودیت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) باشد. هواداران سازمان در فیلیپین، متناسب با شرایط حاکم بر این کشور و با حضور رفقای توده‌ان، نمایندگان از حزب کمونیست فیلیپین و سازمان صلح فیلیپین، این روز تاریخی را جشن گرفتند.

جشن با سرود انترناسیونال آغاز گشت و با خواندن متن‌هایی در ارتباط با انقلاب ایران و اوضاع جهان ادامه یافت. سپس آقای انتونئو س. پاریس دبیر شورای همبستگی صلح فیلیپین سخنرانی نمود. وی پس از تبریک چهاردهمین سالگرد ۱۹ بهمن، فعالیت سازمان را بعنوان یکی از مدافعان صلح ستود و پس از آن به تشریح سیاستهای امپریالیسم پرداخت.

آنگاه نماینده حزب کمونیست فیلیپین به قرائت پیام حزب پرداخت و ضمن شادباش سالگرد تولد سازمان، انتخاب رفیق قرخ نکهدار را به سمت دبیر اول کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در پلنوم اخیر، تبریک گفت.

پیام هواداران حزب توده ایران در فیلیپین نیز خوانده شد.

جشن با شعار "زنده باد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)"، "زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!" به پایان رسید.

جمعیت حاضر در سالن همگی بیبا خاستند و با مشت‌های گره کرده سرود کارگران جهان را سردادند. آنگاه پیام کمیته مرکزی سازمان به اعضا و هواداران خوانده شد که در پایان آن غریب ابراز احساسات شرکت کنندگان به مدت چندین دقیقه سالن جشن را به لرزه درآورد.



پیام‌های حزب توده ایران-دانمارک و حزب کمونیست دانمارک نیز خوانده شد به هنگام خواندن پیام حزب کمونیست دانمارک، جمعیت حاضر در جشن با شعار "زنده باد همبستگی جهانی و زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری" احساسات خود را ابراز داشتند. در جشن دانمارک بیش از ۱۰ حزب و سازمان مترقی در این کشور با دادن پیام کتبی همبستگی خود را با فدائیان خلق در پیشبرد اهداف مردمی و انقلابی خود را ابراز داشتند.

اجرای برنامه‌های متنوع هنری تا ساعت ۱۲ شب ادامه داشت. موسیقی ایرانی رقص کردی، تئاتر، رقص لژی، موسیقی آذری از جمله برنامه‌های جالب و دلپذیر جشن سالگشت ۱۹ بهمن در کپنهاک بود.

یونان

چهاردهمین سالگشت ۱۹ بهمن، روز تولد سازمان فدائیان خلق در یونان نیز با موفقیت و شکوه جشن گرفته شد. شرکت کنندگان در جشن با بیان احساسات عمیق و احترام خود نسبت به کمیته مرکزی سازمان و همه فدائیان خلق و همبستگی خود را با مبارزات مردم ایران ابراز داشتند و بر نقش والای فدائیان در این مبارزات تأکید نمودند.

در طی جشن پیامهای کمیته مرکزی سازمان به اعضا و هواداران، پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران و نیز پیام شورای مرکزی سازمان جوانان حزب کمونیست یونان خوانده شد. رفیق اسپیراستاشکی نماینده حزب کمونیست یونان نیز سخنرانی نمود. وی در آغاز سخنرانی خود ابراز داشت: "از طرف حزب کمونیست یونان، به مناسبت چهاردهمین سالگرد اعلام موجودیت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمانی که فدائیان را بسیار در مبارزه برای سرنگونی رژیم منقر شاه کرده است، شادباشهای خود را ابراز می‌دارم.

افکار عمومی یونان که پیروزی انقلاب ایران را ۶ سال پیش، خوش آمد گفت مدتهاست که با چشم مشاهده میکند که رژیم جمهوری اسلامی ایران به اعدام و سرکوب کمونیستها، نظامیان میهن پرست و دیگر دمکراتها مبادرت می‌کند و بشور خلاصه تمامی جنایات رژیم شاه را تکرار می‌نماید".

در پیام شورای مرکزی سازمان جوانان حزب کمونیست یونان آمده است: "شورای مرکزی سازمان جوانان حزب کمونیست یونان به مناسبت

که با ابراز احساسات شدید شرکت کنندگان و شعار درود بر فدائی، درود بر توده‌ای به اتمام رسید. بخش سیاسی جشن در ساعت یک بعد از ظهر به پایان رسید.

برنامه هنری جشن همانروز در محلی در مرکز شهر برگزار گردید محل جشن به زیبایی تزئین شده بود. عمال حکومت ارتجاع، اوباشان و قداره‌بندان انجمن اسلامی که پیام آور حکومت جمهوری اسلامی در خارج از کشور می‌باشند، مسلح به چاقو، چماق، زنجیر، ساپور، تصویر از آنچه که واقعیت اختناق و سرکوب و اوباشگری در داخل کشور است را به نمایش گذاشتند. اوباشان حکومت تلاش داشتند که به هر طریقه ممکن مانع اجرا برنامه گردند آنان راه را بر میهمانان ایرانی و خارجی می‌بستند و با تهدید و لجن پراکنی قصد برهم زدن جشن را داشتند. اما متانت، شهامت و ایستادگی برگزار کنندگان جشن آنان را ناکام گذاشت.

مزدوران رژیم وقتی دیدند از تهدید و ارعاب کاری ساخته نیست حتی برای برهم زدن جشن به پلیس نیز مراجعه کردند. اما این توطئه نیز با هوشیاری برملا گردید. باطنین شعار درود بر فدایی، درود بر توده‌ای، مزدوران رژیم که خود را کاملاً درمانده یافتند مقتضای محل جشن را ترک نمودند. اعمال وحشیانه عمال رژیم مورد انزجار نیروهای شرکت کننده و کلیه ایرانیان وطن پرست قرار گرفت.

علیرغم اینکه شروع برنامه نیم ساعت به تاخیر افتاد اما شادی خاصی بر جشن حاکم بود. شعار درود بر توده‌ای درود بر فدائی قطع نمی‌شد. مجری برنامه از شرکت کنندگان در جشن قدر دانی بعمل آورد.

پس از اعلام برنامه، نمایشنامه "صلح آمریکایی" به اجرا آمد که مورد استقبال حضار قرار گرفت در ادامه برنامه چندین سرود ایرانی، عربی، پانقومیم، رقص محلی، آواز ایرانی رقص دست جمعی فلسطینی و سودانی به اجرا آمد. برنامه‌های هنری جشن تا ساعت یک و نیم بامداد ادامه داشت.

دانمارک

جشن ۱۹ بهمن، سالگرد تولد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در کپنهاک با حضور بیش از ۴۰۰ نفر از ایرانیان و میهمانانی از ملل مختلف برگزار گردید. شکوه و نظم جشن عمیقاً مورد توجه و تحسین نمایندگان احزاب و میهمانان شرکت کننده در جشن قرار گرفت.

سالن جشن به شکل بسیار زیبایی تزئین شده بود. تصویرهای مارکس و لنین معلمان پرولتاریای جهان بر شکوه و زیبایی محل جشن بیش از پیش افزوده بود. در اطراف سن محل جشن عکس‌هایی از بنیانگذاران سازمان و شعارهایی چون "زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری"، "زنده باد صلح جهانی، منطقه (اسکاندیناوی)"، "باید عاری از سلاح‌های هسته‌ای باشد و همچنین شعارهایی درباره وحدت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران، حمایت از زندانیان سیاسی ایران، ضرورت صلح بین ایران و عراق، حمایت از مبارزات عادلانه خلق کرد و همچنین شعارهایی علیه سیاستهای خائنانه حاکمان جمهوری اسلامی و... وجود داشت. برنامه جشن با سرود انترناسیونال آغاز شد.



دیدار خمینی با وزیر اطلاعات

خمینی در روز یکشنبه ۱۹ اسفند با ری شهری وزیر اطلاعات و معاونان، مدیران کل و سرپرستان کل این وزارتخانه دیدار داشت. سخنان وی در این دیدار خطاب به مسئولین ساواک جمهوری حاوی نکات برجسته ای بود:

وی در ابتدا تاکید کرد "تمام کسانی که در این وزارتخانه هستند، نباید در هیچ گروه و حزبی باشند. وابستگی به گروه‌ها، وابستگی فکری و عملی می‌آورد و این با کار شما منافات دارد. باید همه شما بی طرف بی طرف باشید. دشمنی، دوستی و آشنایی و غریبی در کار نباشد، این کار خطرناک بسیار است." ری شهری در مصاحبه مطبوعاتی اخیر خود (به کیهان ۲۹ بهمن رجوع کنید) نیز بر روی این مساله تاکید کرد. این تاکیدات نشان دهنده آن است که دسته بندی و باندهازی در این وزارتخانه نیز رواج کامل دارد و هر دسته ای می‌کوشد با امکانات وزارت اطلاعات برای دیگری پرونده بسازد.

سخنان خمینی در این دیدار در مورد زندانیان سیاسی و همچنین مصاحبه ری شهری نشان می‌دهند که کنترل زندانیان سیاسی، سرپرستی امور زندان‌ها و تصمیم گیری در مورد مدت اسارت، نوع محکومیت و در موارد محدودی آزادی زندانیان بر عهده وزارت اطلاعات گذاشته شده است.

خمینی همچنین در این دیدار گفت: "امروز ملت ما احتیاج به اطلاعات دارد و هر کس خوب تر است، باید در این امر شرکت کند و اسلام ما را موظف می‌کند در این امر دخالت کند. کنار رفتن و نشستن و دعا کردن فایده ای ندارد، باید به انبیا اقتدا کنند، برای لیبیا و اهل بیت این نبوده است که از مردم کناره گیری کنند، آنان با مردم بودند و هر وقت دستشان می‌رسید حکومت را می‌گرفتند." این سخنان نشان می‌دهند که وزارت اطلاعات قادر به جذب نیروی لازم برای خبر چینی، تجسس و سرکوب نگه داشتن است. حتی بسیاری از خود افراد رژیم نیز از پیوستن به وزارت اطلاعات اکراه دارند، آنها نیز فراموش نکرده اند که ساواکی بودن آخر و عاقبت خوشی ندارد.

خمینی: دولت پشتیبان بازار باشد و بازار پشتیبان دولت

خمینی روز سه شنبه ۲۱ اسفند با عسکر اولادی مسلمان، یکی از سرکرده های بازار که قبلا وزیر بازرگانی بود و اکنون مسئول کمیته امداد است، دیدار کرد. وی در این دیدار یک بار دیگر ضمن ستایش از شخص عسکر اولادی، پشتیبانی خود را از سران بازار اعلام کرد و خطاب به آنان گفت: "بن شما را می شناسم، شما افراد خوب و سالمی هستید. باید در جهت تفاهم و دوستی کام بردارید و از آن جهت که حسن نیت دارید مشکلاتتان حل شود، وقتی هم

خدمتگزار باشند، تمام مسائل حل می‌شود." وی تاکید کرد: " همه شما باید پشتیبان یکدیگر باشید، دولت پشتیبان بازار و بازار هم پشتیبان دولت."

توسعه روابط اقتصادی با ایتالیا

کاظم پور اردبیلی معاون اقتصادی و امور بین المللی وزارت امور خارجه، در پایان سفر چهار روزه خود به ایتالیا، در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد علاوه بر طرح اسکله بندرعباس و پروژه فولاد مبارکه اصفهان و چندین طرح نیروگاه برق و انتقال نیرو، طرح های دیگری به شرکت های ایتالیایی سپرده خواهد شد.

وی در این مصاحبه گفت در این سفر پیشنهاد هایی از سوی کارخانجات اتومبیل سازی ایتالیا از جمله فیات، جهت تولید اتومبیل مدل ۱۲۱ و بعضی از ماشین آلات ساختمانی و راه سازی و مینی بوس مورد مطالعه مقامات اقتصادی جمهوری اسلامی قرار گرفت و مذاکره در مورد آنها آغاز شد. وی افزود جمهوری اسلامی تصمیم دارد در احداث خط لوله گاز ایران که در خاک ترکیه کشیده خواهد شد، شرکت های ایتالیایی را نیز سهم کند.

بوتیک داری در سراسر کشور غیرقانونی اعلام شد

بوتیک داری در کشور غیرقانونی اعلام شد و کلیه بوتیک داران موظف شدند سریعاً نسبت به تغییر شغل خود اقدام کنند.

وزارت بازرگانی با صدور اطلاعیه ای ضمن اعلام این مطلب متذکر شد مراجع صنفی و انتظامی آماده مقابله با متخلفین در این زمینه هستند. در اطلاعیه وزارت بازرگانی، غیرقانونی شدن بوتیک داری به دلیل "عدم سنخیت این شغل با فرهنگ اسلام" ذکر شده است.

سه عضو هیات عالی نظارت بر شوراهای مرکزی اصناف منصوب شدند

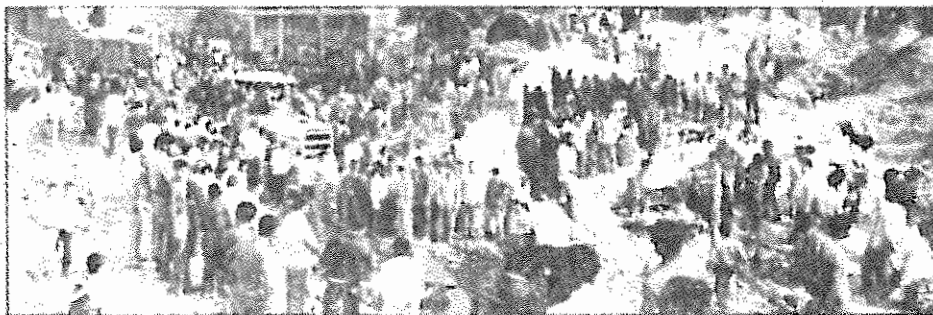
از سوی روابط عمومی و ارشاد وزارت بازرگانی این اطلاعیه انتشار یافت: "در اجرای ماده ۵۲ قانون نظام صنفی مبنی بر انتصاب سه نفر از افراد بصیر در امور اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و صنفی، برادران آقا زاده معاون نخست وزیر، حاج آقا عالی-نسب و حاج معینی بر اساس پیشنهاد برادر میرحسین موسوی نخست وزیر و تأیید حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور به عضویت هیات عالی نظارت بر شوراهای مرکزی اصناف، منصوب شدند."

بمباران مراکز مسکونی و کشتار مردم بی گناه، همچنان ادامه دارد

بسیار گرفته و غمگین است. یک خبر تلفنی حاکی از آن بود که تهران می‌گیرد. مردم به نین جنگ طلبی های رژیم ناچارند در آغاز سال نو شاهد ویرانی و کشتار و تشیع جنازه ها باشند.

تبلیغات رژیم در مورد جنگ به عکس خود تبلیغ می‌شود. حتی فیلمهایی که در هفته گذشته از تلویزیون جمهوری اسلامی از شهرهای بمباران شده پخش می‌شدند، مردم کربان وبه شدت خشمگین را نشان می‌دادند. تنها عده ای محدود از پاسداران و ایادی رژیم برای نمایش در جلوی تلویزیون، شعار جنگ جنگ را تکرار می‌کردند.

اکنون در همه جا صحبت از جنگ و کشتار است و مردم به جای برگزاری مراسم نوروز، مجبور گشته اند به گورستان‌ها بروند تا قربانیان عفریت جنگ را به خاک سپارند. بگیر و ببند برای سر بازگیری شدت یافته و بسیاری از خانواده‌ها را در اضطراب فرو برده است. مردم به عینه حس می‌کنند در آغاز سال جدید باید یکبار دیگر آن هم به میزانی فاجعه بار، تاوان جنگ طلبی های رژیم را بپردازند. بهار امسال نیز با ویرانی و کشتار و عزاداری همراه شده است.



جنگ افزون با میهن ما چه کرده اند!



پیروزی اعتصاب پولادگران اهواز

اهواز- کارگران مجتمع فولاد اهواز از مدت‌ها قبل مبارزاتی را برای افزایش دستمزد آغاز کرده بودند. در پی اقدامات مستمر آنان، در اواسط ماه مسئولین موافقت کردند مبلغ چهل ریال به پایه حقوقی آنان افزوده گردد. اما این رقم از میزان مورد انتظار کارگران فاصله زیادی داشت. در اعتراض به ناچیز بودن رقم افزایش دستمزد، کارگران دست از کار کشیدند. اعتصاب کارگران مسئولین را به تکاپو واداشت. وقتی که از اقدامات مقامات محلی نتیجه‌ای نگرفتند، از سوی مثبت دولت معاون وزارت صنایع ستدین ونیز نماینده "دفتر امام" به اهواز آمده و با کارگران به مذاکره پرداختند. تنهایی از اینکه این مقامات قول دادند بلافاصله برای افزایش حقوقها تا سطح مورد نظر کارگران اقدام نمایند، آنها دست از اعتصاب برداشته و کار را از سر گرفتند.

تقاضاهای خطرناک

تهران- در حالیکه سرمایه‌داران به اسانی وبا حمایت مقامات دولتی تشکلهای ویژه خود را بر پا کرده‌اند، کارگران از ایجاد کردن تشکل صنفی منع شده‌اند. خبری در این زمینه حاکی است که گروهی از کارگران واحد پخش نفت تهران در ملاقاتی با سرپرست این واحد، خواستار شدند که اجازه داده شود تشکل صنفی کارگران پخش نفت رایانام سندیکا و یا هر نام دیگری ایجاد نمایند. پاسخ سرپرست این بود: اصلا حرفش را نزنید. این تقاضاها سیاسی است، خطرناک است.

بروید خانه داری کنید!

تبریز- در تاریخ ۲۹ دی ماه بیست تن دبیران کارگران کارخانه پتروشیمه را اخراج نمودند. نه‌تن از آنان مرد و بقیه زن بودند. با این دور از اخراج تقریباً تمامی کارگران زن اخراج شده‌اند. اخراج زنان از کارخانه‌ها و ادارات توسط جمهوری اسلامی با سماجت در سراسر کشور دنبال می‌شود. اعتراضات کارگران اخراجی کارخانه پشمینه به نتیجه‌ای نرسید. مدیر کارخانه به کارگران مرد اخراجی پاسخ داد که: مازاد بودید، اخراج شدید، والسلام. او به زنان پاسخ داد که: بروید خانه داری کنید، بروید بچه‌هایتان را بزرگ کنید!

شرط سفر به کشورهای سوسیالیستی

در اکثریت شماره چهل و چهار ضمن چاپ یک سند خبر داده بودیم که وزارت فرهنگ و آموزش عالی رسماً تحصیل در کشورهای سوسیالیستی را ممنوع کرده است. همراه با آن از اجرای قرارهای سابق برای آموزش متخصصین ایرانی در این کشورها نیز جلوگیری می‌کنند. خبر زیر نمونه‌ای از آن است. مطابق برنامه تنظیمی وزارت نفت بنا بود

گروهی از مهندسين ابزار دقیق این وزارتخانه جهت طی دوره آموزش به کشور مجارستان اعزام شوند. مقامات مملکتی که از مسافرت این عده به کشور سوسیالیستی مجارستان نگران بودند، هر بار به بهانه‌ای آنرا به عقب انداختند. در حالیکه مسافرت به کشورهای امپریالیستی کاملاً آزاد است، در اعزام این عده به مجارستان کارشکنی را آغاز کردند. بدو اتاجائیکه توانستند از تعداد نفرات که تعیین شده بود کاستند و سپس اعلام داشتند که اعزام بقیه در گرو قبولی در امتحانات سیاسی-ایدئولوژیک است. در برابر این شرط‌وطلمهندسين بایک تصمیم دسته‌جمعی از شرکت در این امتحانات که- همان تفتیش عقاید است خودداری نمودند. به این ترتیب امر اعزام عملاً منتفی شد.

گزارشی از مشکلات صنفی دانشجویان در تبریز

در آذرماه اعتراضات دانشجویان دانشگاه تبریز به نایبامانی‌های موجود در دانشگاه بالا گرفت. در خوابگاه‌های دانشجویی بخاطر فقدان سوخت، شوقاژها خاموش مانده بودند. دانشجویان به ناچار از هیترهای برقی برای گرم کردن اتاقها استفاده کردند. مسئولین با این بهانه که این کار اسراف در مصرف برق است آنرا قلعن نمودند. وقتیکه دانشجویان به این دستور توجیحی نشان ندادند، مسئولین به عنوان اولین واکنش برق خوابگاه "امام" را دردم آذر به کلی قطع کردند. قطع برق وتاریکی شبانه به دانشجویان فرصت استثنائی داد تا دسته جمعی شعارهایی علیه مسئولین بدهند. صدای شعارهای دانشجویان حتی در کوی کارکنان کارخانه ایدم نیز شنیده می‌شد. در شب یازدهم آذر نیز دانشجویان بار دیگر علیرغم آماده‌باش انجمن اسلامی، شعار دادن شبانه را تکرار کردند. این واکنش دانشجویان مسئولین را وادار ساخت مجدداً برق خوابگاه را وصل کرده و علاوه بر آن به هر دانشجوی یک بخاری علاءالدین به نرخ دولتی بدهند.

این قبیل حرکات اعتراضی مسئولین دانشگاه را مجبور کرد در جلسه‌ای همگانی حاضر شده و به سئوالات و شکایات دانشجویان پاسخ دهند. به همین منظور دکتر احمدیان معاون دانشگاه در همین ماه در جلسه‌ای که توسط انجمن اسلامی گردانندگی می‌شد حاضر شد. کوشش انجمن اسلامی این بود که با طرح سئوالات اعتراضی وتفرقه افکنانه، از طرح مشکلات دانشجویان جلوگیری نماید. از جمله در چهارنوبت به عنوان مطالبات دانشجویان از احمدیان خواستند خوابگاه دانشجویان مجرد را از خوابگاه متاهلهین دور نماید که باعث شد در همان جلسه دانشجویان به طرح این اراجیف به شدت اعتراض کنند. پاسخ‌های معاون دانشگاه به سئوالات جلوه‌ای از عوامفریبی و وقاحت مقامات بود. به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

س: صدای بلندگو خوابگاه که دعای کمیل و... را پخش می‌کند، وحشتناک است و مانع درس خواندن می‌شود. تقاضا میکنیم لاقول در هر بلوک یک بلندگو و آیفون نصب شود تا صدای آنرا کمتر نمایند.

ج: این کار هزینه دارد. چون تکلیف مالکیت ساختمان خوابگاه روشن نیست، نمی‌توانیم هزینه صرف کنیم.

س: وضع توالت‌ها غیر بهداشتی است. هر دوازده نفر از یک توالت استفاده می‌کنند. پیشنهاد تعمیر آنها را داریم.

ج: چون بایانک مسکن درگیری داریم اگر توالت‌ها تعمیر شوند به نفع آنها تمام می‌شود.

س: در هر اتاق چهار نفر زندگی می‌کنند. طبق مصوبه ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی بابت اسکان هر دانشجویان پانصد و شصت تومان بدهی به حسابشان نوشته می‌شود. پیشنهاد داریم این بول، نقد به ماده شود تا با آن اطاقی اجاره کنیم.

ج: همه دانشجویان به این پیشنهاد راضی نیستند! پس عملی نیست. به علاوه خواران دانشجویان چه کنند؟

س: علت تعطیل دند انیزشکی چه بود؟

ج: دند انیزشک نداریم.

س: مسئولین بهداشتی به همه دانشجویان بیمار فقط قرص سرماخوردگی می‌دهند.

ج: رسیدگی می‌کنم.

س: خوابگاه ما با هزار دانشجوی کتابخانه و محل مطالعه ندارد. تقاضا می‌کنیم فکری برای کتابخانه شود.

ج: سعی میکنیم.

س: اتاق‌ها پرده ندارند. ناچاریم بجای پرده از روزنامه استفاده کنیم. درخواست تهیه پرده داریم.

ج: سعی می‌کنیم.

س: خوابگاه احتیاج به یک تانکر نفت دارد.

ج: ما دو مشکل داریم. یکی تامین بودجه ودیتری خرید تانکر از بازار آزاد و یا به نرخ دولتی!

س: چه فکری برای تامین آب برای خوابگاه کرده‌اید؟

ج: نتیجه تحقیق وبررسی این قضیه این شد که باید تانکر آب خریده شود. اما اینجام مشکلاتی مثل تانکر نفت وجود دارد.

س: به دیگر سئوالات دانشجویان در زمینه برخورد اهانت‌بار مسئولین، ایجاد سلف سرویس، افزایش تعداد اتوبوس‌های سرویس، دوری خوابگاه از دانشگاه، (حدود سی کیلومتر) و... نیز "وعده رسیدگی" داده شد.

از مشکلات دانشجویان آموزشگاه دهان و دندان در تبریز فقدان استادان مجرب است. تعداد آنها نیز از حداقل مورد نیاز بسیار کمتر است.

استادان علوم تخصصی این آموزشگاه کسانی هستند که پس از فارغ التحصیلی از دند انیزشکی دانشگاه تهران تنها با یک سال دوره دیدن استاد شدند. طبق توافق اولیه بنا بود دوره تدریس این افراد به حساب خدمت نظام آنها گذاشته شود. اما اخیراً به آنان اختار شد با خاتمه یک سال از دوره تدریس بایید روانه پادگان‌ها شوند. در چنین صورتی آموزشگاه اکثریت استادهاپیش را از دست می‌دهد. سرپرست آموزشگاه برای حل مشکل با مقامات مملکتی هم تماس گرفت، اما پاسخ شنید که "چنتک در سر لوجه تمام مسائل است".

به غیر از این عده، چند استاد دیگر هم در این آموزشگاه تدریس می‌کردند. اما آنها نیز یکی پس از دیگری بخاطر نایبامانی‌های موجود کار را رها کرده و رفتند. از همین رو در عرض چند ماه در درس

آنانومی سه بار، فیزیولوژی سه بار و پاتولوژی دوبار استاد عوض گردید.

آموزشگاه برای آموزش عملی دانشجویان هیچ بیمارستانی در اختیار ندارد. تنها محلی که برای آموزش دیدن در اختیار دانشجویان قرار دادند درمانگاهی است بنام سیدحمزه که فاقد امکانات است.

قابنده باد مشعل رزم فدائیان!

☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆

☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆☆

موثر، مجدداً در رابطه با جنگ ۱۸۰۰ شاعر روی کاغذ با پخش موثر، در رابطه با اعتصاب ذوب آهن، ۱۴۰۰ عدد برچسب، راجع به جنگ، زندانیان سیاسی، گرانی، بیکاری و زنان دو هزار عدد برچسب، پیام پلنوم به مردم ۲۵۰ عدد، برنامه ما برای جبهه متحد خلق که در ۱۶۵۰ عدد پست شد، کار مهر ماه ۱۴۰۰ عدد.

لازم به توضیح است که موارد فوق تماماً توسط خود ما تهیه، تکثیر و پخش شد. جدا از موارد فوق از گروه‌های دیگر نیز همه شماره‌های کار را از قرار هر شماره ۲۵۰ عدد دریافت و پخش کردیم...

"... بچه‌های پخش هم حسابی به فوت و فن کار آشنا شده‌اند. جدا از آنچه قبلاً نوشته شده بود (نامه شماره ۰۰۰) از آن تاریخ و تا کنون (۶۲/۹/۱۲) حدود ۴۰۰ اعلامیه و ۸۰۰ شعار مربوط به گرانی، شکنجه و... باضافه ۵۰۰ نسخه اعلامیه مربوط به شکنجه رفیق لطفی تکثیر و پخش گردیده است. از ماه آینده ما مطمئناً با برنامه‌ریزی‌های که شده امکان پخش موثر ۲۰۰۰ نسخه اعلامیه را خواهیم داشت که بالطبع مرتباً بر آن اضافه شده و سیر صعودی خواهد یافت. متناسب با حجم تولیداتمان بر تعداد هسته‌های پخش نیز افزوده‌ایم..."

"... اوضاع روبرو است. متناسب با توان و امکاناتمان پیش می‌رویم. در هفته آخر آذرماه ۱۳۰۰ برگ پخش شده، بر این باید اضافه شود شعار نویسی و نیز پست کردن اعلامیه‌ها و کار... کار به موقع دستمان رسید. در حال تکثیر هستیم، این بار حجم تکثیر یک برابر و نیم خواهد شد چرا که به متقاضیان اضافه شده. اعلامیه اعتصاب را هم دریافت کردیم و تکثیر شد-۱۲ دی ماه"

"... آذر ماه یکبارودی و بهمن هر کدام سه بار در دانشگاه ملی پخش صورت گرفت. خیلی موثر بود. شعارهایی را که نوشته بودیم زود پاک کردند ولی انعکاس خوبی یافت. اگر چه شعارها را زود پاک می‌کنند ولی این شیوه خیلی موثر است. چند نفر هم ببینند زود خبرش پخش می‌شود..."

"... دو نمونه بسیار موفق پخش مستقیم خیابانی داشتیم. یک نمونه در رابطه با ذوب آهن بود که در نادری و سپه پخش شد و یک نمونه اطلاعیه دبیر خانه کمیته مرکزی سازمان بود که در خیابان مازندران پخش شد. در خیابان آبدلی هم سر صف اتوبوس کارگران ۵۰۰ اعلامیه در مورد عدالت اجتماعی پخش شد که پخش کننده استقبال کارگران را عالی توصیف می‌کرد. حتی یک دانه اعلامیه نیز روی زمین نمانده بود..."

"... در شرق حدود ۲۵۰۰ اعلامیه در مورد مسائل مختلف مثل جنگ، ضرورت صلح شعار سازمان علیه ارتجاع و استبداد و اطلاعیه در مورد رفیق میثمی پخش شد. در عرض یک ماه ۲۰۰ شعار نیز در جاهای مختلف نوشته شد... بهمن"

پالایشگاه تهران انعکاس داده شد. کارگران با اشتیاق تمام اخبار اعتصاب را پی می‌گرفتند. تبلیغات به موقع خیلی موثر است."

"... به دنبال اعتصاب ذوب آهن شعارهایی به حمایت از کارگران ذوب آهن بر دیوارهای بیرونی پالایشگاه اصفهان نوشته می‌شود که رئیس پالایشگاه طی تماس تلفنی به سپاه می‌گوید این شعار نویسی‌ها کار فداایی‌های ذوب آهن است."

"... کار تکثیر ما متناسبه در زمان اعتصاب ذوب آهن با اشکالاتی مواجه شد اما با پشتکار و پیگیری رفقا معطل نماندیم و به صورت دستی اعلامیه‌ها را تکثیر کردیم. تاخیری که پیش آمد باعث شد ما اواخر هفته دوم اعتصاب تبلیغ وسیع را آغاز کنیم. پیش از آن در فیات و شرکت واحد از طریق اعلامیه‌ها و تراکت‌های دست نویس کارگران را در جریان اعتصاب گذاشتیم. در این کارخانه‌ها و نیز در اتوبوس‌ها شعارهای زیادی در این مورد نوشته شد."

بهر حال تجربه خوبی بود. ادامه کاری در تبلیغات برد فعالیت را وسیع‌تر می‌سازد. با این شناسایی که حرکت‌های کارگری دارند همیشه باید به لحاظ تبلیغی مجهز و آماده و کوش بزنک باشیم."

"... هسته‌های تبلیغ نیز پخش‌های موفق داشته‌اند از آن جمله اند دوبار پخش از بالای سینما سانترال واقع در میدان انقلاب و پخش در کوچه مهران لاله‌زار و خیابان جمهوری. اعلامیه در مورد ذوب آهن بود..."

"... در خیابان ۴۵ متری سید خندان اعلامیه‌ها پخش شدند. پخش در زمانی صورت گرفت که عصر بود و خیابان شلوغ بود. بچه‌های پخش کننده به سرعت دور شده‌اند. ناظرین گزارش می‌دهند که خیلی موثر بود. چشم‌های مردم با دیدن اعلامیه‌ها برق می‌زد..."

"... چند مورد زیر در زمینه تبلیغات سازمان اخیراً از سوی رفقا منعکس شده است: - پخش از ساختمان جهاد سازندگی واقع در میدان انقلاب - پخش از طبقه بالای یک ساختمان واقع در چهارراه آذربایجان سلسبیل. گفته می‌شود عابری را که یک اعلامیه را برداشته بود دستگیر کرده‌اند - پخش موفقیت آمیز از روی پیل سید خندان که عمال رژیم پس از یک ساعت سر می‌رسند - شعارهای سازمان در مورد قطع جنگ، میدان تریخانه را مزین کرده است - شعار "مردم، از اعتصاب کارگران ذوب آهن حمایت کنید" در کیوسک‌های تلفن با خطی زیبا و با امضای سازمان نوشته شده است - در یک مورد دیده شده است که در باجه تلفنی در منطقه خوش ماشی، یک دسته اعلامیه گذاشته بودند که مردم بر می‌داشتند."

از گزارش سه ماهه منتهی به بهمن ماه یکی از واحدها: "در رابطه با جنگ دو هزار تراکت با پخش

سالی نوراً در پیش رود داریم. سالی که گذشت برای کارگران، دهقانان و زحمتکشان میهن ما سال مشقت باری بود، با فحاکت همراه بود و جنگ و کشتار و اختناق. اما دستاوردهای بزرگی نیز داشت و حرکت شتاب بیشتری می‌یافت، توده‌های وسیع‌تری را در بر گرفت، با فرازهای شکوهمندی همچون چندین اعتصاب کارگری بزرگ و حرکت توده‌ای گسترده به ارتجاع ضرب سست نشان داده شد، مردم به قدرت خود مطمئن‌تر و امیدوارتر گردیدند و از این حرکت‌ها تجربه آموختند تا آنها را در نبردهای گسترده‌تری بکار بندند."

سال گذشته رفقای ما، اعضا و هواداران سازمان نشان دادند که تا چه حد با جنبش خلق پیوند، یافته‌اند. حضور آنان در همه حرکت‌های توده‌ای حضور ملموس بود، تبلیغات آنان ابعادی یافت که بنا بر اطلاعاتی که در دست ماست، ارتجاع را شکست زده کرده است. آخر آنان می‌پنداشتند که دیگر با آن زندان‌های متعددی که ساخته‌اند، با آن همه شکنجه و کشتار و اعدام و بانور اختناق آن‌چنان گسترده که بعضاً عرصه را بر خود حکومتیان نیز تنگ می‌کند، دیگر تبلیغات سازمان‌های انقلابی و در درجات نخست سازمان ما نمی‌تواند ابعاد وسیع و توده‌ای داشته باشد

این باند ارتجاع نشان داد که ذاتاً و تاریخاً کوتاه بین است. سال گذشته ارتجاع عملاً دریافت که در برابر انقلاب پیونی که در کوره نبردهای پیاپی آبدیده شده‌اند، ناتوان و درمانده است. مبارزه پیش می‌رود، حکومت اختناق و شکنجه به کشتارهای بیشتری روی می‌آورد اما خلق از پادرنمی افتد.

و اینک در آستانه سال نو هدیه نوروزی نشریه ماهه دوستان و دوستداران سازمان در خارج از کشور و همه ایرانیان آزادیخواه و میهن‌پرست، بریده تعدادی گزارش تبلیغی است، گزارش‌هایی که در تک تک کلمات آنها شور و امید متجلی است، آنها امید می‌دهند، سرفرازان می‌سازند و چشم انداز روشنی را در برابرمان می‌گسترند. به عین این گزارش‌ها نظر می‌افکنیم، با این تذکر که مصالح امنیتی ما را ناچار ساخته است، بخشهایی از آنها را حذف کنیم:

"... اعلامیه‌ها و تراکت‌های مربوط به اعتصاب ذوب آهن به موقع در کارخانه‌های زیر پخش شد: خودروسازان، لوله و ماشین سازی، شرکت ساسان، ایران یاسا، بتون باتیمان، نفت اصفهان، راه آهن اصفهان، نفت تهران، نساجی مازندران. علاوه بر پخش اعلامیه در این کارخانه‌ها و کارخانه‌هایی که در گزارش قبلی ذکر شده بود شعارهای درشتی نیز در نقاط مناسب در حمایت از کارگران اعتصابی ذوب آهن نوشته شده بود.

حرکت تبلیغی ما در رابطه با ذوب آهن جدا افتخار انگیز است. ما خیر اعتصاب را چه از طریق ارتباط مستقیم و شفاهی و چه از طریق کتبی به درون کارگاه‌های کوچک نیز بردیم."

"... خبر اعتصاب ذوب آهن از طریق تبلیغات شفاهی، کتبی و شعار نویسی در ماشین‌سازی اراک، ماشین‌سازی تبریز، آب و برق اصفهان، نورد امواز و

مصاحبه "اکثريت"

با یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

حزب کمونیست عراق (در پایان ماه مارس) ۱۹۲۴، در تریپلی که این کشور تحت سلطه استعمار بریتانیا بود، تأسیس گردید. دوره نخست فعالیت و مبارزه حزب، با روی آوردن هر چه بیشتر توده‌های کارگران در بغداد، بصره و منطقه نفتی موصل-کربلایک به صفوف حزب طبقه کارگر همراه بود. حزب کمونیست عراق بلافاصله پس از بنیانگذاری ممنوع شد. اعضای حزب تحت پیگرد قرار گرفتند و بسیاری از آنان زندانی شدند. حزب در سال‌های نخست حیات خویش بسیاری از کادرهای رهبری خود را از دست داد. یوسف سلمان (فهد) دبیر اول حزب و ذکی بیم و حسین الشیبیب اعضای دفتر سیاسی در سال ۱۹۴۹ اعدام شدند.

اما علیرغم این شرایط، پیشامنگ طبقه کارگر و زحمتکشان کشور مسابه ما نقش قاطع و غیر قابل انکاری در زمینه‌سازی انقلاب ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ که به سرنگونی رژیم سلطنتی وابسته به امپریالیسم و خروج عراق از پیمان تجاوزکار عراق، انجامید، ایفا کرد.

روند ترقی اجتماعی در عراق باید ارثماند. خیانت رهبری حزب بعث و در راس آن صدام حسین (که در سال ۱۹۷۸ به ریاست جمهوری رسید) باعث جرجش به راست در همه عرصه‌های سیاست داخلی و خارجی عراق شد. حزب کمونیست عراق آماج ددمنشانه‌ترین سرکوب از جانب عمال دیکتاتوری قرار گرفت. صد ها تن از اعضای حزب به بند کشیده شدند، و حشیانه کتجه شدند و بسیاری جان خود را فدای آزادی خلق خویش کردند.

حزب کمونیست عراق اینکه در راه سرنگونی باند جنایتکار صدام حسین، خواهان اتحاد همه نیروهای آزادیخواه و ضد امپریالیست کشور است و در این راستا، با پیگیری واصلیت مبارزه می‌کند.

در سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست عراق مصاحبه‌ای داریم با یکی از اعضای کمیته مرکزی این حزب برادر که ذیلا توجه شما را به آن جلب می‌کنیم:

لطفن تحمل شد. طی این جنگ هر دو طرف خسارت جبران‌ناپذیری متحمل شده‌اند. رژیم عراق پنجاه میلیارد دلار به کشورهای مختلف مقروض است. هر ماه حدود یک میلیارد دلار صرف هزینه‌های جنگی می‌کند. تنها منبع درآمد عراق برای تأمین چنین هزینه‌ای صادرات نفتی است. و حال آنکه صادرات نفت از طریق خلیج متوقف گشته است. صادرات نفت از طریق خط لوله‌های خاک سوریه نیز متوقف مانده است. عراق تنها از طریق خاک ترکیه مقدار محدودی نفت صادر می‌کند و درآمد حاصل از آن در مقابل هزینه‌های جاری بسیار اندک است. اگر کمکهای وسیع مرنجین سعودی و سایر کشورهای مرتجع خلیج و همچنین کمکهای امپریالیست‌های فرانسه، آلمان و آمریکا نباشد حکومت عراق یک روز بر سرپای خود نمی‌ایستد. رژیم ایران هم وضع مشابهی دارد. پایتگاههای نفتی ایران در خلیج پیوسته از طرف هوایی‌های عراقی تهدید می‌شود. و درآمدهای نفتی ایران بسیار تقلیل یافته است. دورژیم به سایر مراکز اقتصادی همدیگر نیز ضربات جدی وارد کرده‌اند. بویژه عراق در این زمینه خسارات زیادی دیده است.

برای پایان دادن به این جنگ طرحهای معین امپریالیستی ارائه می‌شود. همه طرحها در خدمت گسترش سلطه آمریکا بر دو کشور است. آنها سعی می‌کنند دو کشور را به طور کامل زیر چتر صندوق بین‌المللی پول بگیرند. آنها حاضرند برای تحمیل صلح اسارت‌بار بر هر دو کشور فعالیت معینی نیز به انجام برسانند. پیشنهادات دیگری نیز از جانب کشورهای لیبی، سوریه و الجزایر برای توقف این جنگ ارائه شده است. ما معتقدیم صلح بین ایران و عراق باید در اسرع وقت صورت گیرد. برادر کشی قطن شود. و در عین حال این صلح باعث گسترش سلطه امپریالیسم بر دو کشور نگردد. امور داخلی این دو کشور مسئله ایست م بر بولایه ملیت خود آنها. هیچ طرح صلحی نباید ضد حرکت ملی و دموکراتیک در ایران و عراق باشد.

س: مبارزات مردم عراق علیه رژیم ارتجاعی صدام چگونه پیش می‌رود. فعالیت نیروهای ملی و دموکراتیک چگونه است؟

ج: مادر عراق ایجاد یک جبهه متحد ملی و وسیع را در دستور کار قرار دادیم. هم اکنون ما بعنوان حزب

س: رفیق گرامی جنگ ایران و عراق پنجمین سال خود را سپری می‌سازد. وضع فعلی جنگ و آینده آنرا چگونه ارزیابی می‌کنید.

ج: جنگ بی معنای ایران و عراق امروز مهم‌ترین مسئله منطقه ما را تشکیل می‌دهد. جنگی که شکست یا پیروزی در آن نیست. هر روز عده بیشتری کشته می‌شوند. این دورژیم مرتجع بی هدف ملت‌های ما را به قتلگاه می‌فرستد. نه تسخیر ایران توسط رژیم عراق امری شدنی است و نه ساقط کردن رژیم صدام توسط جمهوری اسلامی ایران. تنها امپریالیسم هست که منافع معینی را در این جنگ دنبال می‌کند. سیاست حزب ما قطع فوری جنگ است، پایان دادن به جنگ مبتنی بر اصول دموکراتیک و عادلانه و بدون دخالت طرفین در امور داخلی یکدیگر. بدون تصرف خاک یک طرف از طرف دیگر. ما معتقدیم که دو خلق عراق و ایران آزادند رژیم سیاسی دلخواه خود را انتخاب کنند. این دو خلق مایلند به استقلال و تمامیت ارضی دو کشور احترام گذاشته شود. همه می‌دانند که آتش این جنگ را رژیم عراق افروخته است امروز هم علیرغم اینکه بسیار از صلح صحبت می‌کند تمایلی به برقراری، یک صلح دموکراتیک و عادلانه ندارد. ما ضمن مبارزه جدی، خود برای برقراری صلح بین این دورژیم، برای براندازی رژیم سفاک عراق مجدداً خواهیم کوشید. بنظر ما مسئله رژیم سیاسی در عراق به خلق عراق مربوط است. حکام جمهوری اسلامی فکر ساقط کردن رژیم صدام و سرکار آوردن رژیم دلخواه خود را باید از سر بیرون کنند.

جبهه‌های جنگ امروز با وضع اسفباری روبرو است. در عین حال که دو طرف همدیگر را می‌کشند، نه‌سرباز ایرانی باعلاقه می‌جنگد و نه سرباز عراقی. فرار سربازان هر دو طرف از جبهه جنگ چشمگیر است حتی اعضای سپاه پاسداران ایران از شرکت در جنگ خودداری می‌کنند. حال آنکه در سابق داوطلبانه کفن می‌پوشیدند و به جنگ می‌رفتند. سرباز ایرانی یک روز، از سرزمین خود دفاع می‌کرد و سرباز عراقی در خاک بیگانه می‌جنگید به همین دلیل نیز ارتش عراق شکست خورد و مجبور به عقب نشینی گشت. اما در دور بعد سرباز عراقی در خاک خود به دفاع برخاست و سرباز ایرانی انگیزه رزم را از دست داد. و بدین ترتیب یک جنگ فرسایشی و بی‌سرانجام به نیروهای

کمونیست عراق با حزب دموکرات کردستان عراق، حزب سوسیالیست عراق، اتحادیه دموکراتیون عراق، حزب سوسیالیست کردستان عراق یک جبهه بنام جود (جبهه وطنی دموکراتیک) ایجاد کرده‌ایم. و در راه وسیعتر کردن این جبهه، جذب همکاری حزب سوسیالیست بعث سربری، عراق (بامواضعی همانند حزب بعث سوریه) می‌کوشیم، همچنین ما حاضریم با حزب الدعوة سازمان پیکار اسلامی هم همکاری کنیم. اولین شرط ما اینست که آنها ابتدا عراقی شوند و به عنوان یک نیروی عراقی فعالیت نمایند نه یک نیروی ایرانی. ما آشکارا به آنها گفته‌ایم که با تحویل عراق به مرتجعین جمهوری اسلامی ایران و تشکیل یک جمهوری اسلامی وابسته به ایران مخالف هستیم. ما خواهان تشکیل یک دولت مستقل و متکی به اراده خلقمان در عراق هستیم. متأسفانه آنها هنوز حاضر به تغییر مواضع خود نیستند. آنها با کمونیست‌ها، حرکات ملی کرد، و حرکات ناسیونالیست عربی به ضدیت می‌پردازند. می‌خواهند حکومت خلفای راشدین را به عراق برگردانند. و به همین دلیل هم اکنون تضاد زیادی بین ما وجود دارد. جبهه ما براندازی، رژیم صدام را در دستور قرار داده است. نیروهای مسلح جبهه ما و حزب ما در کردستان عراق قابلتانه علیه رژیم صدام می‌رزمند. ما در راه تشکیل یک حکومت ائتلافی و دموکراتیک با شعار دموکراسی برای عراق و خودمختاری واقعی برای کردستان مبارزه می‌کنیم. ما دست اندرکار کشاندن این مبارزه به شهرها و آماده کردن مقدمات قیام مسلحانه خلق هستیم. ما در راه متوقف کردن جنگ جاری نیز مجدداً تلاش می‌کنیم. توقف جنگ و بازگشتن سربازان به خانه‌هایشان این امکان را نیز برای ما فراهم خواهد آورد که آنها را علیه رژیم دیکتاتوری بسیج کنیم. کارگران و روستائیان ما را به جبهه‌ها کشانده‌اند، کارخانجات، کارگاهها و حتی بخشی از مزارع کشور ما را به بیش از سه میلیون کارگر خارجی سپرده‌اند. به همین دلیل اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای بسیار مشکل صورت می‌گیرد. اختناق جنگی در مین ما بسیار قویست. هر گونه حرکت اعتراضی به شدیدترین وجهی سرکوب می‌شود. کاهش این اختناق قطعاً موجب بروز اعتراضات گسترده توده‌ای خواهد شد. ما بر آنیم که این اعتراضات را به یک قیام عمومی مسلحانه ارتقادیم.

س: نظر شما راجع به اوضاع و تحولات داخل ایران چیست؟

ج: ارتجاع در حکومتی که محصول انقلاب مردم ایران بود پنجه افکند و به مرور سالها در اعماق این حکومت ریشه دواند. و در سالهای اخیر دستاوردهای بزرگی از این انقلاب مثل طرح دولتی کردن تجارت خارجی و طرح تقسیم اراضی بین دهقانان را به کلی زیر پانهادمه آزادیهای موجود در جامعه را به هم راه همه حقوق دموکراتیک مردم به تاراج برد. علیه نیروها مترقی و ملی تهاجم جدی آغاز شد. همه این تحولات توسط نیروهای راست درون حکومت و بویژه انجمن حجتیه سازمان داده شد. این رژیم اکنون برای مردم ایران هیچ جذبه‌ای ندارد. از محبوبیتی برخوردار نیست. مردم این رژیم را مخالف منافع خود و تأمین کننده منافع آمریکا می‌دانند. ما بر آنیم که ایجاد یک جبهه متحد خلق در ایران ضروری و الزامی است •

۱۶ مارس، روز همبستگی جهانی با جوانان مبارز ترکیه

در شانزده مارس ۱۹۷۸ - بنیادین هولناک در ترکیه به وقوع پیوست که موجب انزجار و نفرت کلیه جوانان مبارز جهان گردید. در این روز جلادان وابسته به گرگهای خاکستری ترکیه - با یورش به دانشگاه استانبول به نیت شوم خود جامه عمل پوشاندند. مزدوران وابسته به این جریان ارتجاعی با آتش گشودن به روی دانشجویان ۷ نفر از آنها را به خاک و خون کشیده و شهید کردند. این جنایت ننگین از طرف جوانان ترکیه و کلیه جوانان مبارز جهان محکوم گشت و از هر گوشه جهان جوانان صدای اعتراض خود را بلند کرده و همبستگی خود را با جوانان مبارز ترکیه اعلام داشتند.

"فدراسیون بین المللی جوانان دموکرات" و "اتحادیه بین المللی دانشجویان" ۱۶ مارس را روز همبستگی جهانی با جوانان مبارز ترکیه اعلام کردند. در سال ۱۹۸۰ نظامیان وابسته به امپریالیسم امریکا به بهانه مبارزه با هرج و مرج و آناشیس تراشستند قدرت را به دست بگیرند. این بار جوانان مبارز ترکیه به صورت سازمان یافته مورد یورش ارگانهای امنیتی و جلادان نظامی قرار گرفتند. دار و دسته نظامیان این باریورش وحشیانه و گستاخانه آشکارتری را به جوانان مبارز آغاز کردند. سازمان های مترقی جوانان "منحل" و "غیر قانونی" اعلام شده و بسیاری از اعضای مبارز آنها دستگیر و اعدام شدند. دسته دسته جوانان مبارز را به نام "تروریست"، "خرابکار" و "هرج و مرج طلب" راهی زندان های قرون وسطایی نظامیان کردند. این جوانان مبارز جز استقلال میهن و آزادی و صلح هدف دیگری نداشتند. چه جوانان صلح طلبی را به نام "هرج و مرج طلب" اعدام کردند! چه جوانان پرشوری را که برای استقلال ترکیه می رزمیدند به نام "طرفداری از بیگانه" و "وطن فروش" اعدام کردند! هم اکنون نیز روزی نیست که خیر اعدام یا دستگیری و زندانی شدن در ترکیه به گوش نرسد. همین چندی قبل بود که محاکمه گروهی از زنان مبارز ترکیه که حد متوسط آنها بالاتر از ۲۰ سال نمی شد پایان یافت و یک نفر به حبس ابد و ۲ نفر به ۲۰ سال زندان محکوم شدند. بیکاری، اعتیاد، فحشا و ... ارمغان های دیگر نظامیان برای جوانان ترکیه است. طبق آمار رسمی در ترکیه ۴ میلیون بیکار وجود دارد و این در حالی است که فقط در سال ۱۹۸۴ از ۶۸۰ هزار جوان ترک که به سن کار رسیده بودند فقط ۸۲ هزار نفر توانستند کار پیدا کنند.

جوانانی که برای پیدا کردن کار راهی کشورهای اروپایی و از جمله آلمان فدرال می شوند علاوه بر این که مجبورند مشکلات این کشورها را تحمل کنند، با یک مسئله دیگر نیز روبرو هستند که عبارت از وضعیت سربازی آنهاست. طبق نظر نظامیان حاکم در ترکیه، این جوانان با مجبورند مدت سربازی را در ترکیه سپری کنند، با همراه با ۲ ماه خدمت اجباری مبلغ ۲۰ هزار مارک آلمان فدرال طی اقساط پرداخت نمایند. جوانان ترکیه با تمام توان خود صدای اعتراض خود را به این تصمیم ناعادلانه اعلام می دارند و دست به حرکات اعتراضی از قبیل جمع آوری امضا و غیره می زنند.

وضع تحصیل نیز بهتر از اشتغال نیست و چه بسا کودکان و نوجوانانی که به خاطر تهیه هزینه زندگی مجبور به ترک تحصیل می شوند. و علاوه بر این شهریه مدارس و دانشگاه نیز چنان سنگین است که مخصوصا در سطح دانشگاه تعداد معدودی می توانند به تحصیل ادامه بدهند. البته هیچ تضمینی برای آینده بهتر کسانی که دانشگاه را تمام می کنند نیست! به جز اندکی از آنها که می توانند کار پیدا کنند، بقیه به صف بیکاران می پیوندند یا مجبورند به دست فروشی بپردازند.

نظامیان دو عرصه فرهنگ نیز باعث به انحطاط کشاندن جامعه شده و هر روز جوانان بیشتری را به دام اعتیاد، فحشا و غیره می کشند. آنها آگاهانه و برای اینکه جوانان را از فکر مبارزه بازدارند دست قاچاقچیان حرفه ای و سوداگران مرگ را باز می گذارند. هدیه وابستگان به امپریالیسم به جوانان نمی تواند به جز اعدام، شکنجه، بیکاری، فساد... چیز دیگری باشد.

جوانان ترکیه امروز همراه و همگام با کارگران، دهقانان، و سایر اقشار مردم ترکیه به مبارزات سخت خود ادامه می دهند. صدای جوانان مبارز ترکیه هر روز در کارخانه، مزارع، مدارس و دانشگاهها در اعتراض به خونتای فاشیست ترکیه شنیده می شود. آنها برای صلح، استقلال، آزادی و ترقی اجتماعی می رزمند و در این مبارزه همه جوانان ترقی خواه جهان همدوش و پشتیبان آنها هستند. حاکمان نظامی ترکیه نخواهند توانست جلو حرکت توفنده خلق های مبارز ترکیه را بگیرند و در این راه پیروزی نهایی از آن خلق های ترکیه و مرگ و نابودی در انتظار فاشیست های ترکیه است.

تابنده باد مشعل

بقیه از صفحه ۹

به مناسبت سالگرد انقلاب، از سوی فعالین فدایی در خراسان اعلامیه ای با عنوان "برای دفاع از دستاوردهای انقلاب ۲۲ بهمن، علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنیم" انتشار یافته است که بخشی از آن، در زیر کلیشه شده است:



"در اواخر دی ماه، در مدرسه راهنمایی یافت آباد شعارهای متعددی نوشته شد. به دنبال این شعار نویسی از سوی هواداران سازمان، امور تربیتی دانش آموزان را جمع کرد و آنها را تهدید نمود که عامل این کار دستگیر خواهد شد. خبر شعار نویسی از سوی دانش آموزان در محله پخش شد.

"... در دبیرستان ارشاد تهران چندین شعار درشت نوشته شد..."

"... در جبهه شلمچه میان سربازان اعلامیه ضد جنگ سازمان به صورت موثر و هوشیارانه ای پخش شد..."

"... به این نتیجه رسیده ایم که شعار نویسی سیستماتیک و پیگیر در تلفنهای عمومی و اتوبوسها خیلی موثر است. گویا همه رفقا نیز به این نتیجه رسیده اند. اکنون کمتر تلفنی را می توان در سطح تهران یافت که در آن شعارهای سازمان به چشم نخورد. ما از این شیوه همچنان استفاده خواهیم کرد."

.....

تداوم این بلای خاتمان سوز ابراز انزجار می شد. فرار از سربازی چنان ابعدای یافت که رژیم را به بتیبر و بیندهای وحشیانه ای واداشت.

با مروری کوتاه بر روند وقایع سال ۶۲، پیش از هر چیز به این نتیجه می رسیم که در سال بعد، این رژیم است که خواهد گفت: سال به سال، دریغ از پارسال!

پاربودی حیدرک، امسال گشتی حیدر را سال دیگر گرمائی، قطب دین حیدر شوی!!

جمهوری اسلامی همچنان بر طبل جنگ کوبید و شعار جنگ، جنگ سرداد، در حالی که درماندگی خود را روز به روز بیشتر احساس می کرد. در این سال، ذخایر کاملاً ته کشیدند و حراج نفت نشان داد که نمی تواند کفاف جنون جنگ طلبی رژیم را بدهد و از همین روحکومت باشدتی به مراتب بیش از پیش، از آن مردم زد تا جیبه ها را گرم نگه دارد و به صورت مستقیم و غیر مستقیم از امپریالیست ها، اسلحه بخرد. نفرت مردم از جنگ، در سال ۶۲ جلوه های بسیار پررنگی داشت. از صف های نان و گوشت و نفت گرفته تا درون پادگان ها و سنگرهای جنگ، همه جا از

نظری کوتاه بر ...

بقیه از صفحه ۲
غریبت جنگ هم چنان از خون جوانان دو کشور ایران و عراق، تغذیه می کرد. سال ۶۲ را خامنه ای علاوه بر سال خودکتابی کشاورزی، سال پیروزی در جنگ نیز اعلام کرده بود، ولی این سال، سال بن بست جنگ بود و نه پیروزی ادعایی رژیم. گسترش جنگ به خلیج فارس، پای ناوگان های آمریکایی را به خلیج کاملاً باز کرد. در این سال حمله به مراکز مسکونی، ابعاد بسیار فاجعه انگیز و جنون آسایی پیدا کرد که یک دور از آن هم، اکنون در جریان است.

کمون پاریس، نخستین انقلاب پرولتری

کیوتین شهر پاریس در ملاعام به آتش کشیده شد. "ستونهای و نردوم" که همراه با مجسمه ناپلئون اول به یاد پیروزیهای نظامی امپراتوری فرانسه در سال ۱۸۰۵ در میدان وندوم شهر پاریس برپا گردیده بود، بنا به تصمیم کمون در روز دوازدهم آوریل بعنوان سبیل میلیتاریسم و شوونیسم با خاک یکسان گردید. مارکس در اثر معروفش "جنگ داخلی در فرانسه" مینویسد:

"از ۱۸ مارس تا رخنه نیروهای ورسای به پاریس، انقلاب پرولتری از همه اعمال خشونت آمیزی که در انقلابات، و به ویژه ضد انقلابهای "طبقات بالاتر" مرسوم است، میرا ماند."

براستی نیز تنها مجازاتی که کمون پاریس در حق نمایندگان طبقه سرنگون شده، سران ارتش و پلیس ضد انقلابی و روحانیت کلیسا اعمال کرد، وحشت بیسابقه ای بود که دامان اینان را گرفت. آنها از انتقام بی امان خلق که هرگز به مورد اجرا گذاشته نشد، وحشت داشتند.

این عفوقت بیش از حد کمون، که از ماهیت عمیقاً بشردوستانه حکومت کارگری نشأت می گرفت، به ضد انقلاب امکان داد نیروی خود را دوباره جمع آوری کند و بر لیل یورش به پاریس بکوبد یورش به شهری که از ۱۸ مارس، پایتخت همه زحمتکشان جهان شده بود. در برابر چشمان حیرت زده کارگران پاریس، جنایتی هولناک شکل می گرفت:

سرمایه داران بزرگ، سران دولت و احزاب بورژوازی، ژنرالهای بناپارتیست و سلطنت طلب و سران کلیسا همگی دست بدست هم دادند تا جوانه تازه رسته دنیای نوین را غرق در خون سازند. اوایل آوریل، نیروهای تحت فرمان دولت ورسای حمله خود را به پاریس آغاز کردند و از همان روزهای نخست، هر کس از سربازان گارد ملی و کارگران انقلابی که بدستشان افتاد، از دم تیغ گذراندند.

مزدوران سرمایه هزاران تن از مردم پاریس را که با چنگ و دندان به دفاع از حکومت خود برخاسته بودند، در خانه هایشان زنده زنده سوزاندند. اسرا دسته دسته تیرباران شدند. مردم پایتخت تا هشت روز پس از رخنه نیروهای ضد انقلابی به پاریس، همچنان مقاومت می کردند. کموناردها، زنان و مردان قهرمان کارگرد لیرانه به میدان نبرد و آغوش مرگ می شتافتند. در عرض "هفته خونین ماه مه"، از ۲۱ تا ۲۸ ماه مه، سی هزار تن از مدافعین کمون پاریس جان باختند. شصت هزار اسیر را برای انجام اعمال شاقه، یعنی هلاکت تدریجی، از شهر خارج کردند.

آنچه ماند، مشعل درخشانی است که کارگران پاریس با نبرد قهرمانه خود و با تجربیات گرانقدرشان فراراه برادران طبقاتی خود در سراسر جهان افروخته اند، تجربیاتی که مارکس و انگلس در آثار تئوریک متعدد خود به تعمیم و تدقیق آن پرداختند. در پایان یکی از این آثار (جنگ داخلی در فرانسه) آمده است:

کارگران پاریس با کمون خود برای همیشه بعنوان پیشقراول پر افتخار جامعه نوین زنده خواهد ماند. نام شهدای آن، در قلب بزرگ طبقه کارگر حک خواهد گردید. و برپیشانی دُخیمان آن تاریخ از هم اکنون مهر ننگ کوبیده است، ننگی که با هیچ گونه دعای کشیشانشان سترده نخواهد شد. ●

کشیشها و قضاات همه و همه ابزار سلطه سرمایه بر کار است. نیروی مسلح مردمی، که کمون فرمان تشکیل آن را صادر کرد، و تالیفه دفاع از حکومت مردم توسط خود مردم را برعهده داشت.

شکل دستگاه دولتی که "کمون" تبلور آن بود، دمکراتیکترین نوع حکومت و کاملاً منطبق با اهداف عمیقاً مردمی جنبش طبقه کارگر به شمار می رفت. خود "کمون" از شوراهای شهر پاریس تشکیل می شد که مردم مناطق شهر اعضای آن را برگزیده بودند. اعضای "کمون" مسئولیت فردی داشتند و انتخاب کنندگان می توانستند هر زمان که تشخیص دهند، آنان را از مقامشان خلع کنند. اکثریت آنها را کارگران و مدافعین سرشناس طبقه کارگر تشکیل می داد کمون، وظایف قوای مقننه و مجریه را در عین حال و بطور همزمان برعهده داشت. مامورین دولتی حقوقی برابر دستمزد کارگران می گرفتند. "حقوق ویژه" نمایندگان دولت لغو گردید.

کمون پس از امحای ارتش و پلیس، ابزار اعمال قدرت مادی دولت کهنه، به درهم شکستن ابزار سلطه معنوی آن، کلیسا، روی آورد. همه املاک کلیسا بسود خلق مصادره شد. جدایی دین از دولت به شکل قطع پرداخت هزینه های کلیسا از محل درآمد مالیاتها عمومی و خلع ید از کشیشها در نظام آموزشی به اجرا گذاشته شد.

کمون پاریس برای آینده طرح سازماندهی اداره کشور را نیز تهیه کرده بود. این طرح مقرر می داشت که کمون، شکل سیاسی- اداری همه شهرها و روستاها بوده، و کشور، بر مبنای نظام شورایی اداره گردد. در این نظام، خلق به جای آنکه هر چهارپاش سال یک بار "نمایندگانی" از میان ظرفداران طبقه حاکم انتخاب کند، امکان داشت تا هر زمان بر امور نفاذ و در آن شرکت مستقیم داشته باشد.

حکومت کارگری، که از پشتیبانی اکثریت قریب به اتفاق اقشار متوسط، از قبیل صاحبان حرف، کسبه و پیشه وران پاریس برخوردار بود، علاوه بر اقدامات در زمینه سیاسی و نظامی، اصلاحات مهمی نیز در عرصه اقتصادی- اجتماعی انجام داد. از آن جمله است لغو بدهی های مستاجرین و نظام "جریمه" در کارگاهها و کارخانجات. (برابر مقررات این نظام، سرمایه داران به هر بهانه ای از دستمزد ناچیز کارگران می کاستند.) کمون همچنین برای برخی حرفه ها (مانند شاگردان نانواها) کار شبانه را ممنوع کرد. اما بی شک مهمترین اقدام دولت کارگری پاریس در این عرصه، ضبط کارگاههایی بود که سرمایه داران برای ایجاد بحران، تولید را در آن متوقف ساخته بودند و یا به علت فرار مایمان آن تعطیل شده بود.

عفوقت انقلاب و ددمنشی ضد انقلاب

هفتاد روز کمون پاریس بی شک بارزترین تجسم خصلت عمیقاً انسانی و رؤف حکومت کارگران است. کمون حتی کینه توزترین دشمنان خود را از دم تیغ نکذراند و تنها زمانی به قهر روی آورد که نیروی مسلح ضد انقلاب در نبرد خونین علیه نخستین دولت کارگری، از هیچ جنایتی ابا نداشت. به دستور کمون، به نشانه لرد سرکوب و ترور دولتی،

۱۸ مارس، صد و چهاردهمین سالگرد قیام پرولتاریای پاریس است که به نخستین انقلاب کارگری جهان و ایجاد اولین حکومت زحمتکشان انجامید. با آنکه قهر خونین ضد انقلاب، "کمون" پاریس را پس از هفتاد روز سرنگون کرد، اما این حکومت هفتاد و هفت روز، همانگونه که مارکس نوشت، بعنوان "پیشقراول پر افتخار جامعه نوین" در تاریخ ثبت شد.

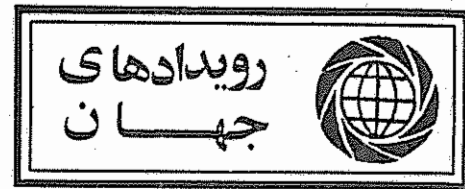
اروپا در آغاز دهه هفتاد سده پیشین میلادی، صحنه نبردهای بزرگ طبقاتی بود. جنبش طبقه کارگر با ایجاد "سازمان بین المللی کارگران" (انترناسیونال اول) و شرکت موثر مارکس و انگلس در رهبری آن، می رفت تا به تهدید جدی و بالفعل برای حکومتهای بورژوازی تبدیل شود. به ویژه در فرانسه موقعیت طبقه حاکم به خطر افتاده بود. ورشکستگی دولت کلان سرمایه داران به صدارت تیئرس قیام از هر چیز خود را در سیاست تسلیم طلبانه و خیانت آن به منافع ملی جمهوری فرانسه در برابر لشکریان فاتح بیسمارک صدراعظم آلمان نشان می داد. در ژانویه (۱۸۷۱)، دولت بورژوازی که هنگام روی کار آمدن، وعده داده بود از کشور در برابر متجاوزین دفاع کند، قرارداد تسلیح به آلمان را امضا کرد. این خیانت، که دولت تیئرس می خواست بای آن را بصورت مبالغه منتفک غرامت جنگی از کارگران، دهقانان و اقشار متوسط شهرنشین بگیرد، در پایتخت فرانسه باعث ایجاد موقعیت انقلابی گردید. "گارد ملی پاریس"، که اکثر نفوذ آن را کارگران تشکیل می دادند، به محور جنبش انقلابی تبدیل شد.

نقش جرقه در انبار باروت را توطئه دولت تیئرس برای مصادره تپوهای متعلق به گارد ملی بعنوان نخستین گام در خلع سلاح مدافعان پاریس ایفا کرد. سربازان گارد ملی نه تنها از تحویل تپوهای خود سرباز زدند، بلکه به کمک مردم پاریس اعضای اکابینه، مامورین عالیرتبه دولتی و نیروی مسلح وفادار به ضد انقلاب را وادار به فرار به ورسای کردند. "کمیته مرکزی" گارد ملی، که سربازان اعضای آن را از میان خود برگزیده بودند، اداره شهر را در دست گرفت.

کمون شکل حکومت نوین

چند روز پس از رانده شدن دولت تیئرس از پاریس، انتخابات "کمون"، عالیترین ارکان حکومت کارگری انجام گرفت. و این ارکان در ۲۹ مارس گشایش یافت. مارکس در پاسخ به این پرسش که "کمون چیست؟" می نویسد پرولتاریای پاریس، جمهوری ای میخواست که نه تنها شکل استبدادی حکومت طبقاتی، بلکه خود حاکمیت طبقات را از میان بردارد. "کمون" شکل معین این جمهوری بود.

نخستین فرمان کمون مقرر داشت که ارتش حرفه ای منحل گردیده و جای آن را خلق مسلح بگیرد. این تصمیم گامی در جهت درهم شکستن ماشین سرکوب حکومتهای بورژوازی بود. تجربه انقلابهای پیشین در فرانسه، به طبقه کارگر آموخته بود که دستگاه دولت طبقاتی- اعم از ارتش، پلیس، بوروکراتها،



مراسم باشکوه وداع با کنستانتین چرنکو

مسکو و کل اتحاد شوروی در روز چهارشنبه ۲۲ اسفند (سیزدهم مارس) با کنستانتین چرنکو رهبر فقید حزب لنین و کشور شوروا وداع کردند. نمایندگان مردم شوروی، حزب کمونیست و دولت این کشور و احزاب کمونیست و کارگری همه کشورها و نیز نمایندگان رسمی دولتهای بسیاری از کشورها با شرکت در مراسم تشییع جنازه دبیرکل حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی نسبت به این شخصیت برجسته ادای احترام نمودند.

مراسم عزاداری از سوی میخائیل گرباچف دبیر کل جدید حزب کمونیست شوروی و رئیس کمیسیون سازماندهی مراسم گشایش یافت. وی طی سخنانی یاد زندگی و کار چرننکوئی فقید را گرامی داشت و گفت: تجربیات سیاسی غنی کنستانتین چرننکو هنگام انجام وظیفه او بعنوان دبیرکل حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شورای عالی خود را به منصفه ظهور رساند.

میخائیل گرباچف بخش بزرگی از سخنرانی خود را به وفتایی که در برابر اتحاد شوروی قرار دارد، اختصاص داد. او گفت در آینده نیز تقویت نیروی ابتکار و خلاقیت توده‌ها، رعایت اکید نظم و قانونیت و تحکیم انضباط کاری، دولتی و حزبی در مرکز توجه قرار خواهد داشت. گرباچف خاطر نشان ساخت: "ما علیه هر گونه پدیده درازگویی و لغافی، لاپالی‌گری و سهل‌انگاری و علیه هر چیز که مغایر موازین سوسیالیستی زندگی باشد مبارزه خواهیم کرد."

در رابطه با سیاست خارجی، رهبر حزب کمونیست شوروی گفت حق زندگی در صلح و آزادی مهمترین حق انسان است، و افزود: "ما بار دیگر آمادگی خود را برای داشتن مناسبات حسن همجواری با همه کشورهای مبنای اصول همزیستی مسالمت آمیز، حقوق برابر و همکاری متقابل سودمند اعلام می‌داریم."

میخائیل گرباچف تاکید کرد اتحاد شوروی هیچگاه کسی را تهدید نکرده است، "ما هیچگاه نیز هیچ کس موفق نخواهد شد اراده خود را به ما تحمیل کند. همانگونه که لنین می‌گوید، سوسیالیسم برتریهای خود را به اثبات می‌رساند، اما نه با اتکاب قدرت اسلحه، بلکه با نیروی سرمنق بودن در همه عرصه‌های زندگی جامعه، ام از عرصه اقتصاد، سیاست، معنویت و اخلاق."

پس از گرباچف، به ترتیب ویکتور گریشین عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی و دبیر اول کمیته شهر مسکو، کارگری از یک مزرعه دولتی، پیوتر فدوسیف، نایب رئیس آکادمی علوم اتحاد شوروی و ویکتور میشین، دبیر اول کسول لنینی بر روی سکوی مقبره لنین به سخنرانی پرداخته و یاد کنستانتین چرننکو و خدمات او را گرامی داشتند. در هنگام برگزاری

مراسم، پیکر کنستانتین چرننکو در تابوت در مقابل مقبره قرار داشت. هیاتهای نمایندگی کارگران، به ویژه از کارخانجات مسکو، و سربازان واحدهای ارتش مستقر در مسکو، با حمل تصاویری از کنستانتین چرننکو، در میدان سرخ گرد آمده بودند.

پس از ایراد سخنرانیها، تابوت به سمت دیوار کرملین حمل شد. درست در لحظه به خاک سپاری، در ساعت ۱۲ و ۴۰ دقیقه، با شلیک تیرهای توپ نسبت به رهبر فقید ادای احترام شد. در سراسر اتحاد شوروی (به غیر از واحدهای تولیدی دارای خط تولید مستمر) به مدت ۵ دقیقه کار متوقف گردید. آژیر کارخانجات، ایستگاههای راه آهن و کشتی‌ها به مدت ۳ دقیقه به صدا درآمد. مراسم بارزه واحدهای ارتش پایان یافت.

برخی مقامات کشورهای گوناگون که برای شرکت در مراسم عزاداری به مسکو رفتند عبارت بودند از: ویسک یاروولسکی رهبر حزب و دولت لهستان، اریش هونکر از آلمان دموکراتیک، گوستاو هوزاک از چکسلواکی، تئودور ژبوکوف از بلغارستان، یانوش کادار از مجارستان، نیکلای چائوشسکو از رومانی، ترون شین صدر شورای دولتی ویتنام، کانگ سونگمان نخست وزیر کره دموکراتیک، دانیل اورنگا رئیس جمهور نیکاراگوئه، راثول کاسترو دبیر دوم حزب کمونیست کوبا، و سلین جورانوویچ صدر هیات رئیسه اتحادیه کمونیستهای یوگسلاوی، پیرک کار مل رهبر افغانستان، منگیستو هایل مریم رهبر اتیوپی، علی ناصر محمد رهبر یمن دموکراتیک و... و نیز سران کشورهای غرب مانند فرانسوا میتران، مارگارت تاچر، هلموت کول و بوش معاون رئیس جمهور آمریکا.

رسانه‌های گروهی اتحاد شوروی وسیعا به درج پیامهای تسلیت به مناسبت درگذشت رفیق کنستانتین چرننکو پرداختند. از جمله این پیامها، پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران بود.

مذاکرات خلع سلاح ژنو آغاز شد

در روز سه شنبه بیست و یکم اسفند ماه در محل نمایندگی اتحاد شوروی در سازمان ملل در ژنو مذاکرات شوروی-آمریکادرباره سلاحهای هسته‌ای و فضایی آغاز شد. روزنامه شوروی پرودا همزمان با آغاز مذاکرات تاکید کرد حصول توافق در ژنو مطلقا ضروری و کاملا امکان پذیر است.

لازم به یادآوری است توافق مربوط به انجام این مذاکرات در ژانویه امسال طی ملاقات میان وزرای خارجه دو کشور انجام گرفت. برابر این توافق، مجموعه مسایل مربوط به سلاحهای هسته‌ای و فضایی در ارتباط متقابل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ریاست هیات شوروی بر عهده ویکتور کاریف و ریاست هیات آمریکایی با ماکس کهلمان است. "پرودا" در تفسیر خود به ضرورت رعایت اکید توافق ژانویه درباره مذاکرات اشاره نموده و افزود جز این، هیچ راه دیگری برای تحقق نتایج موفقیت آمیز وجود ندارد.

بسیاری از اظهارات نمایندگان محافل حاکم آمریکا بیانگر آن است که این کشور علیرغم تن دادن به مذاکرات ژنو می‌خواهد به هر ترتیب سیاست تسلیحاتی خود را ادامه دهد. به ویژه باید از پافشاری دولت ریگان بر برنامه تسلیحات فضایی نامبرد که در تحلیل نهایی اساس مذاکرات را هدف

گرفته است.

معدنچیان بریتانیا: مبارزه ادامه دارد

بنا به تصمیم اکثریت نمایندگان اجلاس فوق العاده اتحادیه ملی معدنچیان بریتانیا، کارگران قهرمان معادن زغال سنگ این کشور به سر کار خود بازگشتند. آنها نزدیک به یک سال، با تحمل سخت ترین فشارها و در حالیکه در معرض ددمنشانه ترین اقدامات سرکوبگرانه دولت محافظه کار تاچر قرار داشتند، به اعتصاب سراسری خود برای حفظ مشاغلشان ادامه دادند.

معدنچیان در حالیکه دسته‌های موزیک و خانواده‌شان همراهی شان می‌کردند، با سرافراشته و گامهای استوار وارد معادن شدند. هزار کارگر معدن "کلینکلی" در یورکشایر برای نشان دادن تداوم مبارزه با صاف منظم وارد معدن شدند، سپس همگی یک روز مرخصی گرفتند و بازم در صفی فشرده معدن را ترک کردند و به تظاهرات پرداختند.

در برخی معادن اعتصاب ادامه دارد. کارگران می‌خواهند که اخراج ۷۰۰ تن از فعالین اعتصاب لغو گردد.

استواری معدنچیان دلیر بریتانیایی روحیه رزمجویانه والای پرولتری را به نمایش گذاشته و در طول ۵۱ هفته اعتصاب، تحسین جهانیان را برانگیخت. اعتصابیون بدون دریافت پول از صندوق اعتصاب (که ذخیره آن کفاف اعتصاب سراسری را نمی‌داد) و علیرغم کاهش و قطع کمکهای اجتماعی ایستادند و سخت ترین محرومیتها را به جان پذیرا شدند. تنها مرعاش معدنچیان کمک دوستان آنها در بریتانیا و خارج از آن بود. اداره ملی زغال سنگ بریتانیا هنوز از نقشه‌های خود برای تعطیل معادن به بهانه "بی‌صرف بودن" دست نکشیده است. از این رو، این سخن آرتور اسکارگیل رهبر سندیکای معدنچیان که "مبارزه ادامه دارد" پس از پایان اعتصاب نیز به قوت خود باقی است.

کشتار مردم جنوب لبنان بدست صهیونیستها

دوشنبه دهم اسفند نبروهای اسرائیلی به روستای "الضرایبه" در جنوب لبنان یورش برده و ۳۰ تن از اهالی این روستا را با ددمشی هر چه تمامتر و به بهانه انتقام گیری بابت هلاکت سربازان اسرائیلی در عملیات میهن پرستان به قتل رساندند. در این یورش، سربازان ارتش لبنان و مردم روستا دلیرانه در برابر مهاجمین ایستادگی کردند. ده سرباز لبنانی بدست اسرائیلی‌ها اسیر شده و تعداد زیادی از اهالی توسط آنها ربوده شدند. روستای نامبرده در منطقه‌ای قرار دارد که ارتش اسرائیل آن را اخیرا تخلیه کرده است.

اکثریت اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد این جنایت و ددمشی‌های دیگر صهیونیستها در جنوب لبنان را محکوم کردند. ۱۱ کشور از ۱۵ عضو شورای امنیت قطعنامه‌ای را مورد تصویب قرار دادند که در آن از اسرائیل خواسته شده نیروهای اشغالگر خود را فوراً و بدون قید و شرط به مرزها به رسمیت شناخته شده بین المللی لبنان فراخواند. آمریکا با وتوی خود از تصویب این قطعنامه جلوگیری کرد.

انتخاب میخائیل گرباچف به سمت دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی

بقیه از صفحه اول

برگزیده شود. این پیشنهاد بگونه ای یکپارچه تصویب گردید.

میخائیل گرباچف پس از کزینش به سمت دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، طی یک سخنرانی خطوط اساسی سیاست داخلی و خارجی حزب کمونیست اتحاد شوروی را در تدارک کنگره بیست و هفتم خود ترسیم نمود.

گرباچف در آغاز این سخنان با اشاره به شخصیت برجسته کنستانتین چرنکو و خدمات او به حزب، مردم و دولت شوروی اظهار داشت:

"منی استراتژیکی که در کنگره بیست و ششم و بلنومهای بعدی کمیته مرکزی با شرکت فعال یوری ولادیمیرویچ آندروپف و کنستانتین اوستینویچ چرنکو تدوین گردیده است، بلا تغییر باقی مانده و می ماند. این منی عبارت است از تسریع پیشرفت اجتماعی - اقتصادی کشور و تکامل همه جوانب زندگی جامعه. مسئله بر سر تحول پایه مادی - فنی تولید است."

وظایف در عرصه اقتصادی - اجتماعی

دبیر کل جدید کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در تدقیق وظایف حزب در عرصه اقتصادی - اجتماعی، تکامل مناسبات اجتماعی، به ویژه مناسبات اقتصادی، تکامل خود انسان و بهبود کیفی شرایط کار و زندگی مادی و نیز جهان معنوی او را از اهداف کنونی حزب دانست. وی گفت:

"ما می خواهیم به چرخشی تعیین کننده در هدایت اقتصاد به سمت رشد پرتوان دست یابیم. ما باید و موظفیم در مدت کوتاه به پیشرفته ترین مواضع علمی - فنی و بالاترین سطح بازدهی کار اجتماعی در جهان نائل گردیم.

برای حل موفقیت آمیزتر و سریعتر این مسئله باید در آینده به نیز با پیگیری، مکانیزم اقتصاد و کل سیستم رهبری را بهبود بخشیم. ما باید در این راه اصول اساسی مدیریت اقتصادی سوسیالیستی را خلاقانه بکار بندیم. این بدان معناست که رشد برنامه ریزی شده اقتصاد، بلا انحراف اجرا شده، مالکیت سوسیالیستی تقویت گردد، حقوق واحدهای تولید گسترش یافته و بر استقلال آنان افزوده شود و نیز علاقه آنان به نتایج نهایی کار تقویت شود."

رفیق گرباچف سپس به عدالت اجتماعی پرداخت و در این مورد گفت: "حزب سیاست اجتماعی بدون خود را بلا انحراف ادامه خواهد داد. همه چیز برای مردم، برای رفاه مردم - به این حکم برنامه ای باید محتوایی هر چه عمیقتر و مشخصتر بخشید. طبیعی است که بهبود شرایط زندگی انسان باید بر سهم فزاینده او در انجام امر مشترک استوار گردد. هر جا که انحرافی از این اصل تحمل شود، بلا اجبار عدالت اجتماعی نقض می گردد، در حالیکه عدالت اجتماعی عامل بسیار مهمی در وحدت و ثبات

جامعه سوسیالیستی به شمار می رود.

حزب، ادامه تکامل و گسترش دموکراسی و کل سیستم خودگردانی سوسیالیستی خلق را یک وظیفه کلیدی سیاست داخلی خود می داند.

وظایف مربوط به این امر متنوع است. در این رابطه هم اکنون نیز کارهای بسیاری انجام می گیرد. پیش بینی شده است که نقش شوراها افزایش یابد و سندیکاهای، کسومول، کنترل مردمی و کلکتیوهای کار فعال گردند. اما هنوز کار پیگیرانه ای چه در عرصه های تعیین شده و چه در عرصه های نوین در انتظار ماست.

تعمیق دموکراسی سوسیالیستی بطور جدایی ناپذیری با افزایش آگاهی اجتماعی پیوند دارد. اثر بخشی کار تربیتی خود را در چگونگی شرکت کارگران، دهقانان کالخوزها و روشنفکران در حل مسائل کوچک و بزرگ، چگونگی کار آنها و چگونگی مبارزه آنها علیه نقایص نشان می دهد. "افزایش فعالیت مردم شوروی در کار و در عرصه اجتماعی، تحکیم انضباط، تربیت روحیه میهن پرستی و انترناسیونالیسم در اینهاست که نتایج کل فعالیت ایدئولوژیک قابل شجش است.

ما در آینده نیز اقدامات قاطعی انجام خواهیم داد تا همه جا نظم ایجاد کنیم، زندگی خود را از پدیده های بیگانه، از هر گونه نقض منافع جامعه و شهر و ندان آن بدور نگه داریم و قانونیت سوسیالیستی را تحکیم نماییم."

دبیر کل حزب کمونیست شوروی آنگاه درباره لزوم آگاه بودن مردم از امور خاطر نشان ساخت: "ما در آینده نیز موظفیم آگاه سازی مردم از کار سازمانهای حزبی، شورایی، دولتی و اجتماعی را گسترش دهیم. ولادیمیر ایلیچ لنین می گفت قدرت دولت در آگاهی توده ها است. پراتیک ما این حکم را به تمام و کمال تایید کرده است. هر چه مردم اطلاع بیشتری داشته باشند، آگاهانه تر عمل می کنند و فعالانه تر از حزب، طرحها و اهداف برنامه ای آن پشتیبانی به عمل می آورند."

سیاست خارجی

بخش بعدی سخنان میخائیل گرباچف به سیاست خارجی شوروی اختصاص داشت. وی در این مورد گفت:

"نخستین وظیفه حزب و دولت در این است که دوستی برادرانه با نزدیکترین همزمان و مستحانمان، یعنی با کشورهای جامعه بزرگ سوسیالیستی، حفظ و بطور همه جانبه تحکیم نمایند. ما هر آنچه به خودمان مربوط می شود انجام خواهیم داد تا همکاری با کشورهای سوسیالیستی را گسترش داده و نقش و نفوذ سوسیالیسم را در صحنه جهان افزایش دهیم. ما خواهان بهبود جدی در مناسبات با جمهوری توده ای چین هستیم و معتقدیم این امر در صورت تمایل طرف مقابل کاملاً ممکن است.

اتحاد شوروی همواره از پیکار خلقها برای رهایی از یوغ استعمار حمایت کرده است. امروز نیز ما جانب کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را می گیریم که راه تحکیم استقلال و نوسازی اجتماعی را می پیمایند. آنها برای ما دوستان و همقطارانی در مبارزه برای صلحی پایدار و مناسبات بهتر و عادلانه تر میان ملتها هستند.

آنچه مربوط به روابط با کشورهای سرمایه داری می شود، می خواهم بگویم: مامشی سیاست لنینی صلح و همزیستی مسالمت آمیز را دنبال خواهیم کرد. اتحاد شوروی همواره حسن نیت را با حسن نیت و اعتماد را با اعتماد پاسخ می دهد. اما همه باید بدانند ما منافع میهن خود و متحدین خود را هیچگاه زیر پا نخواهیم گذارد.

ما دستاوردهای تنش زدایی بین المللی را که در سالهای ۷۰ تحقق یافت گرامی می داریم و آماده ایم در کوشش برای ادامه روند تحقق همکاری مسالمت آمیز و متقابل سودمند میان دولتها بر مبنای احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی شرکت کنیم. با گامهای نوین در این راستا می توان چهلمین سالگرد پیروزی بزرگ بر فاشیسم هیتلری و میلیتاریسم ژاپن را بگونه ای شایسته برگزار نمود. " رفیق گرباچف درباره مسئله محدود کردن تسلیحات اظهار داشت:

"هیچگاه در گذشته چنین خطر دهشتناکی مانند امروز بشریت را تهدید نکرده است. تنها راه عاقلانه خروج از موقعیت ایجاد شده، توافق نیروهای رودر رو درباره قطع فوری مسابقه تسلیحاتی و به ویژه مسابقه تسلیحات هسته ای در زمین و عدم آغاز آن در کیهان است، توافقی بر مبنای صداقت و حقوق برابر، بدون تلاش برای "فریفتن" طرف مقابل و تحمیل شرایط خود به او. چنین توافقی به همه ما کمک خواهد کرد به هدف مطلوب، یعنی نابودی کامل سلاحهای هسته ای و ممنوع شدن آن برای همیشه و محو کامل خطر جنگ هسته ای، نزدیکتر شویم. این اعتقاد راسخ ماست.

فردا در ژنو مذاکراتی میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا آغاز خواهند شد. موضع اتحاد شوروی در قبایل این مذاکرات بر همه روشن است. من تنها دوباره تاکید می کنم: ما به دنبال هیچگونه امتیازات بکجانیه در برابر ایالات متحده و کشورهای ناتو و هیچگونه برتری نظامی بر این کشورها نیستیم. ما خواهان قطع، و نه ادامه مسابقه تسلیحاتی بوده و از این رو پیشنهاد می کنیم سطح زرادخانه های هسته ای ثابت مانده و از ادامه استقرار موشکها جلوگیری شود. ما خواهان کاهش واقعی و موثر سلاحهای انبار شده هستیم، نه ایجاد سیستم های تسلیحاتی تازه، چه در کیهان و چه بر روی زمین.

امید است طرف مذاکره ما در ژنو مواضع اتحاد شوروی را درک کرده و بپذیرند. در این صورت حصول توافق ممکن خواهد بود. آنگاه خلقهای جهان نفس راحتی خواهند کشید."

همکاری با احزاب برادر

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی سپس درباره مقام و موقعیت حزب در جنبش

جهانی کمونیستی، گفت:

"حزب کمونیست اتحاد شوروی ماهیتا حزبی انترناسیونالیست است. همفکران ما در خارج می‌توانند اطمینان داشته باشند: حزب لنین، مانند گذشته، در نبرد برای صلح و ترقی اجتماعی با احزاب برادر کمونیستی و کارگری و نیز احزاب انقلابی - دمکراتیک همکاری کرده و در راه وحدت و همکاری فعال همه نیروهای انقلابی خواهد کوشید."

در راه تحکیم هر چه بیشتر حزب

میخائیل گرباچف سخنان خود را چنین ادامه داد:
"رفقا، حل مسائل دشواری که پیش روی ماست، مستلزم ادامه تحکیم حزب و افزایش نقش سازمانده و هدایت کننده آن است. حزب کمونیست اتحاد شوروی همواره از این اندیشه لنینی پیروی کرده و خواهد کرد که سیاست وفادار به اصول تنها سیاست درست است. این سیاست که حاصل خرد جمعی است، پیگیرانه و بلاانحراف تحقق می‌یابد. حزب، آن نیرویی است که قادر است منافع همه طبقات و گروههای اجتماعی، همه ملل و اقوام کشور را منظور دارد، آنان را متحد سازد و نیروی خلق را در کار سازنده مشترک کمونیستی هدایت نماید."

سیاست حزب بر تحکیم پیوند طبقه کارگر، دهقانان کالخورها و روشنفکران، بر تحکیم مستمر دوستی میان خلقهای کشور کثیرالمله بزرگمان مبتنی بوده و خواهد بود.

حزب کمونیست اتحاد شوروی بطور همه جانبه نیروی ابتکار خلاق جوانان را رشد خواهد داد، در راه بهبود شرایط کار و زندگی زنان خواهد کوشید و به نیازها و انتظارات قهرمانان پیش کسوت جنگ و کار توجه خواهد کرد.

با توجه به وضع پیچیده بین المللی این امر اهمیت بیسابقه‌ای یافته است که توان دفاعی میهن ما در چنان سطحی باقی بماند تا متجاوزین احتمالی دقیقاً بدانند که هر گونه یورش به امنیت کشور شوروی و متحدین آن، به زندگی مسالمت آمیز مردم شوروی با ضربه متقابل تابود کننده‌ای پاسخ داده خواهد شد. نیروهای مسلح پرافتخار ما در آینده نیز هر چه را به این منظور لازم است در اختیار خواهند داشت."

ند آرک کنگره بیست و هفتم

دبیر کل حزب کمونیست شوروی آنگاه گفت:
"اینک تدارک بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در جریان است. در این کنگره طرح نوین برنامه حزب مورد بررسی قرار گرفته و چشم اندازهای رشد کشور برای برنامه پنجساله آتی و تا سال ۲۰۰۰ ترسیم خواهد شد."

ضرورت زمان، کار شدید و خلاقانه سازمانهای حزبی در همه عرصه‌هاست. کمونیستها باید در همه مقاطع و در همه جاسر مشقی برای انجام وظایف مدنی، کار دلسوزانه در خدمت جامعه و رعایت اکید شیوه کار لنینی باشند. این امر در وهله اول در مورد کادرهای حزبی و نیز مسئولین حزبی و دولتی صادق است."

رفیق گرباچف پس از ذکر ضرورت تحقق برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی سال جاری بعنوان مقدمه مملتی برای برنامه پنجساله آتی، افزود:
"زمنستان سخت، تحقق وظایف برنامه‌ای را در تعدادی از رشته‌ها تا حدی با مانع مواجه کرده است. بنابراین اکنون باید با تمام نیرو بکار پرداخت، ذخایر را بسیج کرد و همه نیروها را بکار برد تا عقب ماندگی‌ها جبران شده و تا پایان سال اهداف منظور شده تحقق یابد."

دبیر کل حزب کمونیست شوروی سپس اظهار داشت حمایت یکپارچه مردم شوروی از مشی حزب و دولت در انتخابات اخیر به نمایش گذاشته شد. وی افزود:

"امروز پلنوم کمیته مرکزی وظایف سنگین و بزرگ دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را بر عهده من گذارد. من به خوبی واقفم که اعتمادی که به من ابراز شده و مسئولیتی که در پیوند با آن قرار دارد چقدر بزرگ است. من برای کارهایی که در پیش است روی پشتیبانی و کمک فعال اعضا و کاندیدهای دفتر سیاسی، دبیران کمیته مرکزی و کل کمیته مرکزی حزب حساب می‌کنم. تجارب غنی شما فشرده تجارب تاریخی خلق ماست. رفقا، من به شما، حزب و خلقمان اطمینان می‌دهم که با تمام نیرو وفاداران به آرمان بزرگ لنین خدمت خواهم نمود. اجازه دهید این اعتقاد خود را ابراز دارم که مردم و حزب به رهبری کمیته مرکزی در راه کنگره بیست و هفتم هر آنچه در توان دارند انجام خواهند داد تا مبین شوروی ماهر چه غنی تر و قدرتمندتر شود و نیروهای خلاق سوسیالیسم هر چه شکوفا تر گردند."

زندگینامه میخائیل گرباچف

دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی

میخائیل گرباچف در دوم مارس (۱۹۲۱ در روستاهای پریولنویه، ناحیه کراسنوکواردیسک، منطقه استاوروپول، در خانواده‌ای دهقانی به دنیا آمد.

وی در سن ۱۵ سالگی اندکی پس از پایان جنگ فعالیت شغلی خود را به عنوان تکنیسین در یک ایستگاه تراکتور و ماشینهای کشاورزی آغاز کرد. گرباچف در سال ۱۹۵۲ به عضویت حزب کمونیست اتحاد شوروی درآمد. وی در سال ۱۹۵۵ تحصیل خود را در دانشکده حقوق دانشگاه دولتی لومونوف مسکو به پایان رسانده و در سال ۱۹۶۷ از موسسه کشاورزی استاوروپول بعنوان مهندس کشاورزی فارغ التحصیل شد.

میخائیل گرباچف از سال ۱۹۵۵ عهده‌دار مسئولیتهایی در تشکیلات کسومول و حزب گردید. وی در منطقه استاوروپول بعنوان دبیر اول کمیته شهر استاوروپول کسومول، معاون مسئول دایره تبلیغ و ترویج و سپس دبیر دوم و دبیر اول کمیته منطقه کسومول به کار مشغول بود.

میخائیل گرباچف در مارس ۱۹۶۲ مسئول تشکیلات حزبی دایره محلی تولید کالخورها و ساخوزهای منطقه استاوروپول گردید و در دسامبر همان سال مسئولیت دایره ارگانهای حزبی کمیته منطقه حزب کمونیست اتحاد شوروی به وی واگذار

شد. او در سپتامبر ۱۹۶۶ بعنوان دبیر اول کمیته حزبی شهر استاوروپول برگزیده شد. میخائیل گرباچف از اوت ۱۹۶۸ دبیر دوم کمیته حزبی منطقه استاوروپول بود، و در آوریل ۱۹۷۰ دبیر اول این کمیته گردید.

دبیر کل کنونی حزب کمونیست شوروی از ۱۹۷۱ عضو کمیته مرکزی حزب است. وی در کنگره‌های ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۶ بعنوان نماینده حضور داشت. گرباچف در سال ۱۹۷۸ بعنوان دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و در سال ۱۹۷۹ به عنوان کاندید عضویت در دفتر سیاسی کمیته مرکزی انتخاب گردید. در اکتبر ۱۹۸۰ میخائیل گرباچف به عضویت دفتر سیاسی کمیته مرکزی درآمد. او از دوره قانونگذاری هشتم تا یازدهم در شورای عالی اتحاد شوروی نماینده بوده است و ریاست کمیسیون امور خارجه شورای اتحاد را بر عهده دارد. گرباچف در این سمت چندین بار برای انجام مذاکرات به خارج سفر کرد. آخرین مسافرت او به بریتانیا بود که در دسامبر ۱۹۸۴ صورت گرفت.

میخائیل گرباچف در دوره‌های دهم و یازدهم قانونگذاری بعنوان نماینده شورای عالی جمهوری شوروی سوسیالیستی فدراتیو روسیه انتخاب شد. او بابت خدماتش به حزب کمونیست و دولت شوروی سه مدال لنین و چند مدال دیگر گرفته است.

رفیق کنستانتین

از درگذشت ولادیمیر ویچ آندروپف، وی در سیزدهم فوریه ۱۹۸۴ به عنوان دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و در یازدهم آوریل همان سال بعنوان صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی انتخاب گردید.

کنستانتین چرنکو عضو هیئت نمایندگی شوروی در کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا (منعقد در سال ۱۹۷۵ در هلسینکی) و مذاکرات خلیج سلح وین در سال ۱۹۷۹ بود.

کمیته مرکزی حزب کمونیست، هیئت رئیسه شورای عالی و شورای وزیران اتحاد شوروی طی بیانیه‌ای خطاب به حزب و مردم شوروی از کنستانتین اوستینویچ چرنکو بعنوان کادر برجسته حزبی و دولتی، مبین پرست و انترناسیونالیست و مبارز پیگیر در راه پیروزی آرمانهای کمونیسم و صلح در جهان یاد کردند.

در این بیانیه همچنین آمده است: "حزب در آینده نیز مشی تحقق همه جانبه سوسیالیسم پیشرفته را دنبال خواهد کرد. حزب عالیترین هدف فعالیت خود را ادامه افزایش سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم بر مبنای تقویت اقتصاد و تسریع همه جانبه پیشرفت علمی و فنی می‌داند." در ادامه بیانیه خاطر نشان شده است که حزب کمونیست و دولت شوروی از هیچ کوششی برای تضمین صلح پایدار فروگذار نکرده‌اند، و تاکید به عمل آمده است: "ما همچنین پیگیرانه در این راه خواهیم کوشید که مسابقه تسلیحاتی پایان یافته و از نظامی کردن کیهان جلوگیری به عمل آید." این بیانیه افزوده است: "هدف نهایی ما نابودی کامل سلاحهای هسته‌ای در سراسر جهان، و محو کامل خطر جنگ هسته‌ای است." ●

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ترکیه

رفقای ارجمند!

چهاردهمین سالگرد تاسیس سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) راه که سالها با تمام دشواریها، بخاطر آزادی خلقهای ایران و رسیدن به آینده ای بهتر، علیه رژیم سلطنتی-فاشیستی شاه فعالانه مبارزه کرده و صدها شهید داده است، و امروز نیز به مبارزه خود علیه رژیم ارتجاعی و استبدادی خمینی ادامه میدهد، از صمیم قلب تبریک می گویم و برای مبارزان قهرمانان آزادی پیروزی می کنیم.

رفقای ارجمند!

به مناسبت این روز با ارزش مايلم یادآوری نمایم که مبارزه ما علیه حکومت فاشیستی ترکیه و مبارزه سازمان شما علیه رژیم سلطنتی-فاشیستی شاه باعث ایجاد مناسباتی بر پایه همبستگی انترناسیونالیستی گردیده بود. امروز نیز حزب کمونیست کارگری ترکیه (TKRP) خواهان گسترش بیش از پیش همبستگی فیما بین در مبارزه علیه حکومت فاشیستی ترکیه و رژیم ارتجاعی خمینی، می باشد.

رفقا

تفرقه و پراکندگی بین نیروهای کمونیست، انقلابی و دموکرات، سازمان نیافتگی خلق باعث به قدرت رسیدن رژیمهای ارتجاعی و فاشیستی شده و عمر اینگونه رژیمها را طولانی و تسلط آنها را بر خلقها ممکن می سازد. امروز به همین خاطر است که در کشور ترکیه خونهای فاشیست بر سر کار است.

حزب ما با آگاهی به این موضوع، پنج سال است که در داخل ترکیه، با تمام توان همراه با مبارزه و فعالیت پر دوام و سازمان یافته بر علیه فاشیسم، به مبارزه در راه اتحاد عمل و اتحاد نیروهای کمونیست و نیروهای دموکرات و انقلابی ادامه میدهد.

رژیم ارتجاعی و استبدادی خمینی نیز مانند رژیم فاشیستی ترکیه، از پراکندگی میان نیروهای کمونیست و انقلابی و دموکرات، و عدم وجود یک آلترناتیو سازمان یافته و قوی، بهره مند می شود. ما از پیکار سازمان شام، در پایان دادن به این پراکندگی-که به نفع طبقه کارگر و خلق ایران نیست- پشتیبانی می کنیم. در این راه همکاری و فعالیت متحدانه و مشترک شما و حزب توده ایران را یک گام مثبت و مهم دانسته و تبریک می گوئیم.

ایمان داریم، همان گونه که سازمان شما مبارزه قهرمانانه خود را در پایان دادن به دیکتاتوری شاه نشان داد، مبارزه خود را در پایان دادن به حکومت استبدادی و ارتجاعی خمینی، به خاطر آزادی و آینده ای بهتر برای طبقه کارگر و خلق ایران نشان خواهد داد. به نام تمام مبارزان حزب کمونیست کارگری ترکیه برای شما در مبارزه تان آزادی پیروزی می کنم.

دبیر اول

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ترکیه

تسلیم توره

رفیق کنستانتین چرنکو درگذشت

خبر درگذشت کنستانتین چرنکو، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر هیئت شورایی عالی اتحاد شوروی، بشریت ترقیخواه را در اندوه فرو برد. کمیته مرکزی حزب کمونیست، هیئت رئیسه شورایی عالی و شورای وزیران اتحاد شوروی در روز دوشنبه یازدهم مارس (۲۰ اسفند) طی بیانیه ای اطلاع دادند که در ساعت ۱۹ و ۲۰ دقیقه یکشنبه دهم مارس ۱۹۸۵ به وقت مسکو، رهبر حزب لنین و کشور شوراهای از یک بیماری طولانی درگذشت. در این بیانیه آمده است: "نام کنستانتین چرنکو، شخصیت برجسته حزب کمونیست و دولت شوروی و مبارز پیوسته در راه آرمانهای کمونیسم و صلح، در قلب مردم شوروی و کل بشریت ترقیخواه همواره محفوظ خواهد ماند." تلگرامهای تسلیت از همه کشورهای جهان به مسکو بخایره شد. نمایندگان دولتها، احزاب و سازمانهای ملی و بین المللی برای شرکت در مراسم به خاک سپاری، رهبر فقید شوروی وارد این کشور شدند.

پیکر کنستانتین چرنکو در روز دوشنبه در جایگاه ویژه ای در تالار خانه سندیگانای مسکو قرار داده شد تا مردم و هیئت های رسمی بتوانند با عبور از کنار جایگاه ادای احترام کنند. خیابانهای اطراف و کل محلات مرکزی شهر مسکو به علت ازدحام جمعیت و نیز تدارک مراسم تشییع جنازه، مسدود شد. از مقابل خانه سندیگانا، یک صف چند کیلومتری از مردمی که برای آخرین دیدار با رهبرشان آمده بودند، تشکیل گردید. از یازدهم تا سیزدهم مارس در سراسر اتحاد شوروی عزای عمومی اعلام شد. روزنامه ها و رسانه های گروهی شوروی، در تجلیل از کنستانتین چرنکو، که عمری را در مبارزه بخاطر تحقق آرمانهای والا، حزب لنین گذراند، به معرفی گوشه هایی از زندگی او پرداختند. از سوی رهبری شوروی، کمیسیون ویژه ای برای سازماندهی مراسم عزاداری تشکیل شد که مسئولیت آن به عهده میخائیل کرباچف قرار گرفت.

طبق اطلاعیه گروه پزشکان معالج کنستانتین چرنکو، علت درگذشت وی نارسایی ریتین و قلب بود.

صفحاتی از زندگی یک رهبر طراز نوین

کنستانتین اوستینویچ چرنکو در بیست و چهارم سپتامبر (۱۹۱۱ در روستای بولشایانین، ناحیه نووسلوسو، منطقه کراسنویارسک به دنیا آمد. او از سال ۱۹۳۱ به عضویت حزب کمونیست اتحاد شوروی درآمد.

کنستانتین چرنکو از اوان نوجوانی نزد همقانان ثروتمند بعنوان کارگر مزدبگیر کار می کرد. تمام فعالیت بعدی وی با مسئولیتهایی در سازمان جوانان کسومول و سپس تشکیلات حزب همراه بود. کنستانتین چرنکو در سال ۱۹۳۰ داوطلبانه وارد



ارتش سرخ شد. وی از سال ۱۹۴۲ در مدرسه عالی حزبی در جوار کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (بلشویک) به تحصیل پرداخت و در سال ۱۹۴۵، پس از پایان تحصیل، مسئولیت دبیری کمیته منطقه "پنسا" را به عهده گرفت. چرنکو در سال ۱۹۴۸ به ماموریتی در جمهوری شوروی سوسیالیستی ملدوای فرستاده شد و در آنجا بعنوان مسئول دایره ای از دوایر کمیته مرکزی حزب کمونیست ملدوای به کار پرداخت. او در سال ۱۹۵۶ برای کار در تشکیلات کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به مسکو فراخوانده شد.

کنستانتین چرنکو از سال ۱۹۶۶ تا (۱۹۷۱) کاندید عضویت در کمیته مرکزی حزب بود و در کنگره بیست و چهارم (مارس ۱۹۷۱) به عضویت کمیته مرکزی درآمد. در مارس ۱۹۷۶، در جریان پلنوم کمیته مرکزی که پس از کنگره بیست و پنجم برگزار شد، چرنکو بعنوان دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی برگزیده شد.

چرنکو از ۱۹۷۷ کاندید عضویت و از سال ۱۹۷۸ عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب بود. پس بقیه در صفحه ۱۵

توضیح:

اولین دوشنبه سال نو نشریه اکثریت منتشر نخواهد شد. شماره ۵۰ نشریه در روز ۱۲ فروردین انتشار خواهد یافت.

AKSARIYAT

NO.49

MONDAY MARCH 18.85

Address: آدرس:

RUZBEH

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W. GERMANY

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا!